



## تبیین جایگاه پیوست نگاری فرهنگی و بهره‌گیری از نظام مدیریت فرهنگی در شهر اسلامی- ایرانی (مبانی نظری و فرآیند فکری سازنده شهر اسلامی)

حیدر جهان‌بخش\*

استادیار گروه معماری دانشگاه پیام‌نور

علی دل‌زنده\*\*

پژوهشگر دوره‌ی دکتری معماری، دانشگاه آزاد اسلامی

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۱۰/۲۹ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۵/۰۳/۲۶

### چکیده:

گسست فرهنگی و تزریق مؤلفه‌های غیربومی به پیکره‌ی شهرهای اسلامی-ایرانی در دهه‌های اخیر به نبود راه مشخص، الگوی توسعه و پیشرفت باز می‌گردد. با پیروزی انقلاب اسلامی بازگشت به مبانی اسلامی، توجه به کرامات انسانی و اتکاء به فکر و ابتکار ایرانی بار دیگر مورد توجه قرار گرفته است. تدوین نقشه‌ی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از سوی مقام معظم رهبری موجب شده حیات دینی و طراحی فرهنگ منسجم اسلامی دستور کار متخصصین در حوزه‌های مختلف از جمله شهرسازی قرار گیرد. در این راه آن‌چه اهمیت دارد، روش پیاده‌سازی نظام مدیریت فرهنگی نظام اسلامی متناسب با دستور زبان خاص آن حوزه و تدوین مدلی کارآمد در اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های کلی نظام ارزشی حاکم است. به گونه‌ای که بتوان الگویی نظری و عملیاتی از شهر اسلامی-ایرانی متناسب با مهندسی فرهنگی اهداف انقلاب اسلامی ارائه نمود. این تحقیق از یک سو بنیادی (توسعه‌ی دانش و مبانی) و از سوی دیگر کاربردی (توسعه‌ی راهکارها و راه‌حل‌ها) است. در این تحقیق با روشی نظری و عملیاتی با رویکرد توصیفی، تحلیلی و کیفی و از روش استدلال منطقی بر پایه‌ی منابع کلام الهی و معصومین و استنباط عقلی به ارائه‌ی مدلی مفهومی و عملیاتی از مبانی سازنده‌ی شهر اسلامی، مدل اجرایی راهبرد فرهنگی با تبیین پیوست فرهنگی و مهندسی فرهنگی نظام حاکم در ساختار شهر اسلامی و ارائه‌ی الگوی پیشنهادی از شهر اسلامی با بستری فرهنگی و ارزشی پرداخته شده است. بر مبنای استدلال‌های صورت گرفته راهبرد سامانه‌های فرهنگی به عنوان مدل اجرایی راهبرد فرهنگی نظام اسلامی با دو اصل مهندسی فرهنگی و پیوست فرهنگی ارائه گردیده است. این مدل، برشی از مبانی سازنده‌ی شهر اسلامی در سطح راهبردهای فرهنگی با هویتی سیستمی و سامانه‌ای است که دو قطب درونی (اصول راهبردی) و بیرونی (نظام راهبردی) لایه‌ی فرهنگی شهر اسلامی را با ارائه‌ی راهکار مفهومی و کاربردی به سمت اهداف شکل‌گیری شهر اسلامی هدایت می‌نماید. در نهایت، بر مبنای بنیان‌های نظری و استدلال‌های مطرح شده ساختاری مرکزی از شهر نوین اسلامی با نظام شبکه‌ی فرهنگی از شهر اسلامی مدل‌سازی عملیاتی شده است.

واژه‌های کلیدی: مبانی شهر اسلامی ایرانی، نظام مدیریت فرهنگی، پیوست فرهنگی، مهندسی فرهنگی، فرآیند طراحی شهری.

\* H\_jahanbakhsh@pnu.ac.ir

\*\* Ali.dellzende@yahoo.com

## ۱. مقدمه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی حوزه فرهنگی - اجتماعی همواره یکی از اصلی‌ترین اهداف انقلاب اسلامی بوده است. در این ساختار جاری کردن فرهنگ و ارزش‌های دینی و اخلاقی در جامعه و اداره‌ی زندگی بر پایه‌ی اصول اسلامی از اصلی‌ترین سیاست‌گذاری‌های فرهنگی از سوی رهبر انقلاب بوده است.

به منظور اجرایی شدن هدف فوق، مهندسی فرهنگی به عنوان اصلی‌ترین راهبرد مدیریت فرهنگی در طرح الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت مطرح گردیده است. در این راهبرد پیوست فرهنگی در راستای مهندسی فرهنگ، مهندسی فرهنگی و مدیریت فرهنگی روشی برای عملیاتی کردن ایده‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌های فرهنگی در فضای عمل اجتماع است (رضایی ۱۳۹۱). هدف، دستیابی به مدلی واقع‌گرا، جامع‌نگر و آینده‌نگر است که در نتیجه‌ی آن بتوان به مدیریت و مهندسی حوزه‌های مختلف جامعه (ابراهیم‌پور و مصطفوی ۱۳۸۷، ۸۸) از جمله معماری و شهرسازی پرداخت.

این مقاله با فرض آشنایی پژوهشگران با نظام مدیریت فرهنگی کشور و مشخص بودن تعاریف و مفاهیم و اصول کلی آن از جمله مباحث مهندسی فرهنگی و پیوست‌نگاری فرهنگی درصدد است، تا جایگاه مفاهیم را بر مبنای تعاریف آن در ساختار نظری شهر اسلامی بیان سازد. به همین منظور در پژوهش حاضر، تلاش شده است با استفاده از مفاهیم و الگوی مفهومی ارائه شده در شکل‌گیری مبانی‌سازنده‌ی شهر اسلامی، الگویی عملیاتی در سطح مدیریت فرهنگی جامعه در حوزه‌ی شهرسازی اسلامی - ایرانی ارائه شود.

بنابراین تحقیق درصدد پاسخ‌گویی به سوالات زیر است؟  
۱) نظام مدیریت فرهنگی نظام اسلامی با چه روشی می‌تواند در ساختار شهر اسلامی عملیاتی شود؟

۲) مفاهیمی چون مهندسی فرهنگی یا پیوست فرهنگی در کدام لایه از لایه‌های مبانی‌سازنده شهر اسلامی قرار می‌گیرد؟

۳) طراح چگونه می‌تواند این نظام مدیریتی را در نظام

فکری خود منسجم نماید؟ (روش عملیاتی بهره‌گیری از مفاهیم نظام مدیریت فرهنگی و راهکار پیوست فرهنگی در فرایند طراحی شهر اسلامی به چه روشی پیاده‌سازی می‌شود؟)

در نهایت به عنوان یک نمونه و روش اجرایی این الگوی راهبردی، روش پیوست فرهنگی در سازوکار مدیریت فرهنگی و مهندسی فرهنگی در سطح عملیاتی، مهندسی فرهنگی ساختار شهر اسلامی - ایرانی را به عنوان نمونه‌ای از روش طراحی شهری بر پایه‌ی شبکه‌ی فرهنگی معرفی می‌نماید؛ تا شهرسازی اسلامی به عنوان تجلی اسلام و مکان تعلیمات اسلامی همواره به ارزش‌ها و اعتقادات فرهنگی اسلام توجه کرده و همواره در جهت کارایی و پاسخ‌گویی بیش‌تر به نیازهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه گام بردارد.

## ۲. روند پژوهش

در این مقاله بر اساس مفروضات اصلی، حکمت نظری و عملی اسلامی و آموزه‌های دین مبین اسلام پس از یک مقدمه، لازم است ابتدا با بررسی تعاریف و مفاهیم موجود از شهر اسلامی - ایرانی (اوصاف، ارکان، اجزاء و مبانی‌سازنده‌ی آن) ساختار و مراحل فرآیند شکل‌گیری شهر اسلامی تبیین شود. سپس با تجزیه مراحل آن، لایه‌های سازنده شهر بررسی، تشریح و براساس محتوا و مبانی آن از یکدیگر تفکیک می‌شود تا از مغالطه‌های معمول و پیش‌فرض‌های مغلوط جلوگیری نماید. سپس با شناسایی لایه فرهنگی سازنده شهر اسلامی و مراحل آن، فرهنگ، پیوست فرهنگی، مهندسی فرهنگی، از دیدگاه نظام مدیریت فرهنگی نظام اسلامی شناسایی و با بررسی ارتباط شکلی و ماهوی آن‌ها با یکدیگر با گردآوری اطلاعات از طریق منابع کتابخانه‌ای، مطالعات و پژوهش‌های موجود و پایگاه‌های اطلاعاتی با تجزیه، تحلیل و ترکیب آن، مدل راهبردسازی فرهنگی در لایه فرهنگی شهر اسلامی براساس فرآیند طراحی شهری (ساختار نظام فکری طراح) تبیین می‌شود تا مبانی الگوساز شهر اسلامی - ایرانی (مدل نظری: شامل مولفه‌ها، شاخص‌ها و نظام سازنده‌ی شهر) طرح‌ریزی گردد. سپس با شاخص‌هایی که از روش پیوست فرهنگی براساس

آموزه‌های الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی از دیدگاه مقام معظم رهبری بیان گردیده است، در چارچوب ظرفیت این نوشتار در سطح عملیاتی ساختار شهر اسلامی - ایرانی بر پایه‌ی الگوی شبکه‌ی فرهنگی شهر، مهندسی فرهنگی می‌گردد. در این روش با میسر شدن مبانی نظری طراحی شهر اسلامی - ایرانی و تدوین بحث مهندسی فرهنگی در سطح راهبردی آن، نظام کالبدی سازنده‌ی شهر اسلامی - ایرانی به عنوان راهکار ارائه شده است (نمودار ۱).



نمودار ۱. روند پژوهش و مراحل آن (ماخذ: نگارندگان)

### ۳. پیشینه‌ی تحقیق

باید اذعان کرد تاکنون مدلی از روش پیاده‌سازی نظام مدیریت فرهنگی نظام اسلامی در چارچوب مهندسی فرهنگی با روش پیوست فرهنگی در حوزه‌ی طراحی شهری ارائه نگردیده است. شاید در موارد و مصادیق خاص تنها به آسیب‌شناسی وضع موجود و توجه به کارکردهای آن در مدیریت شهری پرداخته شده باشد. در این تحقیق سعی شده با توجه به جایگاه موضوع، ابتدا به گونه‌ای شفاف مشخص نماییم که نظام مدیریت فرهنگی نظام اسلامی و مباحثی چون مهندسی فرهنگی و پیوست فرهنگی چگونه در فرایند طراحی شهری در سطح نظری مطرح می‌گردند در این مسیر علاوه بر ارائه‌ی مدل نظری و رهنمودهای آن، مدلی عملیاتی از ساختار شهر اسلامی - ایرانی بر پایه‌ی شبکه‌ی گسترده‌ی فرهنگی - اجتماعی ارائه می‌گردد. امید است در تحقیقات بعدی بتوان با شناخت جایگاه آن قدم‌هایی کاربردی‌تر و اجرایی‌تر برداشت.

### ۴. شهر اسلامی و ساختار سازنده‌ی آن

شهر در معنای لغوی: مدینه و بلد و اجتماع، خانه‌های بسیار و عمارت‌های بی‌شمار که مردمان در آن سکنی می‌کنند، به معنای آبادی است که بر خانه‌های بسیار، خیابان‌ها، میدان‌ها و بازار مشتمل شده و دارای سازمان‌های اداری و انتظامی است؛ به معنای عالم و دانا خوانده می‌شود (لغت‌نامه‌ی دهخدا: ذیل «شهرها»). شهر، مکان مسکونی با جمعیت بیش‌تر و مهم‌تر از ده یا آبادی است و به‌عنوان سامان‌مندترین تنظیمات اجتماعی مکان برقراری عدالت و نظم اجتماعی - اخلاقی مبتنی بر توحید است (دایره‌المعارف قرآن کریم: ذیل «شهرها»).

شهر در بررسی جامع تعابیر و اصطلاحات رایج در اسلام، عبارت است از مجموعه‌ای که از ترکیب عوامل طبیعی، اجتماعی، فضاها و محیط ساخته شده که توسط انسان پدید می‌آید و جمعیت ساکنی در آن متمرکز شده باشند. جمعیت در این مجموعه به قالب منظمی در آمده و زندگی خود را بر اساس آداب و رسوم تعریف شده از سوی عوامل انسانی و الهی سامان داده است (قربانی ۱۳۹۲، ۱۶). متناسب با آن می‌توان شهر اسلامی را مجتمع زیستی با اجتماعی از انسان‌ها که بر اساس عدالت، آگاهی، تعادل، معرفت، امنیت، رفاه، فراوانی، پویایی، استحکام، زیبایی و روابط اجتماعی منشعب از مبانی قرآنی زندگی کرده و منافع همه جانبه‌ی مردم در نظر گرفته شده باشد دانست (صارمی ۱۳۹۰، ۱۰۱).

شهر اسلامی شهری است که برای رسیدن به آن بر اساس آموزه‌های دین مبین اسلام و نه خرده فرهنگ‌ها و عرف جوامع (جهت برنامه‌ریزی، طراحی، اجرا و مدیریت) تلاش می‌شود و شهر آرمانی اسلام، مدینه فاضله‌ای است بهشت گونه، ایده‌آل و آرمانی که برای رسیدن به آن تلاش می‌کنیم تا کاملاً براساس اصول دین مبین اسلام و نه خرده فرهنگ‌ها و عرف جوامع برنامه‌ریزی، طراحی اجرا و مدیریت شود (پورجعفر ۱۳۹۱).

۴-۱. مبانی شهر اسلامی: مبانی آن دسته از موضوعات و یا اصول بنیادی است که در همه‌ی موضوعات مربوط به یک جهان‌بینی صادق، جاری، ساری و مشهود است

(لیتکوهی و سنجرى ۱۳۹۳، ۵۴). مبانی شکل دهنده‌ی شهر اسلامی از روی طرح و الگوی آرمانی جهان‌بینی اسلامی نشأت گرفته‌اند و مانند هر پدیده‌ای از اوصاف، اجزاء و ارکانی برخوردار هستند (نقی زاده ۱۳۸۹، ۳).

**۴-۲. اوصاف شهر اسلامی:** شهر اسلامی شهری است که برای خداوند ارزش داشته و برای تحقق آن در طول تاریخ بشر زمینه‌هایی فراهم نموده است. اوصاف شهر اسلامی حقیقت و یا هدف ساخت شهر مطلوب انسان‌ها یا شهر اسلامی است. اسلامی بودن در این جا نه به معنای تحقق در دوره‌ی اسلامی، بلکه به معنای ارزش والا در نزد

خداوند است که برای تعالی و تکامل انسان ضروری است. در قرآن اوصاف و ملاک‌هایی برای تعریف و ساختن شهر وجود دارد که عبارتند از امنیت، اطمینان، دین الهی (رسالت و نبوت)، فراوانی رزق و زراعت، طیب و امن - به معنای ایمان اهل شهر - (قربانی ۱۳۹۱، ۲۲). به طور کلی همه‌ی اوصافی که به توصیف شهر مطلوب و آرمانی می‌پردازد از چهار ریشه‌ی حی، امن، سلم و طیب است که به معنای زندگی، امنیت، سلامتی و پاکی در عرصه‌های مادی و معنوی‌اند (نوحی ۱۳۸۸، ۱۳۶).

جدول ۱. ساختار محتوایی پژوهش<sup>۲</sup>، (مأخذ: نگارندگان)

ساختار پژوهش	دیدگاه و رویکرد
۱- شالوده نظری	- مفروضات اصلی مبانی اعتقادی، اخلاقی و احکامی/حکمت نظری و عملی اسلامی. برپایه منابع خطاناپذیر کلام الهی، کلام معصومین و داده‌های آن از طریق استنباط عقل فردی و اجتماعی خبرگان (عقل جمعی و تاریخی)
۲- هدف پژوهش	- هم بنیادی (توسعه دانش و مبانی) و هم کاربردی (توسعه راهکارها و راه حل‌ها) - روش پیاده‌سازی نظام مدیریت فرهنگی نظام اسلامی در قالب مدل نظری، مفهومی و فرایند فکری سازنده شهراسلامی با ارائه الگوی کاربردی از آن در سطح عملیاتی است.
۳- ضرورت پژوهش	- گسست فرهنگی و تزریق مؤلفه‌های غیر بومی به پیکره فرهنگی جوامع تأثیر گسترده‌ای در روابط اجتماعی و آثار انسانی از جمله نظام شهرسازی اسلامی نهاده است. به گونه‌ای که منجر به مخدوش شدن الگوی شهر اسلامی - ایرانی متناسب با نیازهای انسان، اهداف زندگی و بنیان‌های زندگی (یعنی خانواده و حیات سعادت‌مندان و طیبه) گردیده است. - ارائه الگوی نظری و عملیاتی از شهر اسلامی - ایرانی متناسب با مهندسی فرهنگی اهداف انقلاب اسلامی (جاری کردن فرهنگ و ارزش‌های دینی و اخلاقی در جامعه و اداره زندگی بر اساس اصول اصیل از جمله: قرآن، شریعت، سنت و فقه اسلامی) در آثار انسانی.
۴- رویکرد و روش پژوهش	- در حوزه‌های مبانی نظری و مدل عملیاتی رویکرد (توصیفی، تحلیلی و کیفی) و روش پژوهش استدلال منطقی بر پایه منابع کلام الهی و معصومین و استنباط عقلی است.
۵- موضوع پژوهش	- تمرکز بر تقویت راهبردهای فرهنگی ایجاد یک تمدن نوین اسلامی با تبیین مدل فکری و عملیاتی از نظام مدیریت فرهنگی در فرایند طراحی شهری به عنوان بخش اصلی و اساسی از سبک زندگی و فرهنگ اسلامی به جهت پاسخ‌گویی به نیازهای مادی و معنوی انسان است.
۶- فرضیه پژوهش	- مخدوش بودن الگوی شهر اسلامی - ایرانی به تزریق مؤلفه‌های غیر بومی و گسست فرهنگی جامعه باز می‌گردد. ارائه مفهوم دقیق و تدوین مدل نظری و عملیاتی معین و مدون در سطح راهبردی از فرایند طراحی شهر اسلامی در چارچوب مهندسی فرهنگی و روش پیوست فرهنگی مورد توجه مقام معظم رهبری (شیوه سازمان دهنده شهر اسلامی) می‌تواند الگویی مناسب در طراحی شهری ارادته دهد. ابزار دستیابی به این روش از طریق هوست سیستمی راهبرد زیست - فرهنگی یا مجموعه‌نگری فرهنگی فراهم می‌گردد.
۷- مدل ساختاری تدوین و نگارش مقاله	روش ماهی و حلزونی: گرچه روش کلی نگارش منطقی - خطی یا ماهی است و مباحث و یافته‌ها با یکدیگر تفاوت دارد و فهم هر مبحث مستلزم درک بخش قبلی است و برای درک موضوع تدوین شده می‌بایست کل آن را مطالعه کرد ولی در هر بخش از روش حلزونی استفاده گردیده است، در این روش از پیوسته تا مغز و از مقدمه تا نتیجه قابل درک و فهم است.
۸- دستاوردها	- ارائه مدلی مفهومی و نظری مدون و معین از مبانی ساختار ساز شهراسلامی برپایه ارکان سازنده و هویت سیستمی آن (بنیادی). - ارائه مدلی مفهومی در سطح نظری و عملیاتی از شهر اسلامی - ایرانی به عنوان مبانی مدون و معین از نظام شکل‌دهنده آن در سطح راهبردی (حوزه فرهنگی و عملی آثار انسانی) (بنیادی). - دستیابی به سطوح راهبردی و عملیاتی فرایند طراحی شهر اسلامی - ایرانی در چارچوب مهندسی فرهنگی و روش پیوست فرهنگی نظام اسلامی (کاربردی و نوآورانه).

۳-۴. اجزاء و ارکان شهر اسلامی: برای ظهور شهر اسلامی، انطباق و هم‌پوشانی سه فضا یا عنصر به عنوان ارکان آن ضرورت دارد. این سه فضا عبارتند از: فضای فکری، فضای عملی و فضای عینی یا فضای کالبدی، که اصلی‌ترین عنصر، انسان (یا مؤمن) است. البته مهم‌ترین مقوله‌ی مربوط به انسان نیز وجه فکری یا به عبارتی ایمانی اوست (نقی‌زاده ۱۳۹۴، ۱۶).

مهم‌ترین عوامل برای ایجاد ثبات و پایداری در هویت انسان و به ویژه برای تثبیت و پایداری آن و هویت جمعی او، جهان‌بینی، فرهنگ و تمدن است (همان، ۳۱). بر این اساس می‌توان مراحل فرآیند ظهور هر پدیده‌ای توسط انسان را در سه مرحله‌ی اصلی مطرح کرد: اول مرحله‌ی «اندیشه و فکر» (جهان‌بینی)؛ دوم مرحله‌ی «عمل» (فرهنگ) و مرحله‌ی سوم، ظهور «پدیده‌ی مورد نظر» (تمدن) (نمودار ۲). بنابراین مکتب اسلامی، بنیاد و زیرساخت شهر را با جهان‌بینی و ایدئولوژی یا فرهنگ در جهت تحقق اوصاف مطلوب خود بنا می‌سازد.

جهان‌بینی نوع برداشت و طرز تفکری است که یک مکتب درباره‌ی جهان هستی عرضه می‌دارد و زیرساز و تکیه‌گاه فکری آن مکتب به شمار می‌رود (مطهری ۱۳۹۰، ۷)، در این زیربنا فلسفه‌ی زندگی، معنی انسان، هدف زندگی، مسئولیت در رسالت فردی، مسئولیت در رسالت جامعه و نوع بشر و مکتب علمی که بر اساس آن مکتب، من زندگی فردی و اجتماعی‌ام را می‌سازم تنظیم می‌گردد (شریعتی ۱۳۸۹، ۱۱۶).

اگر مبانی شکل‌گیری شهر اسلامی را در مکتب توحیدی اسلام مطرح می‌کنیم؛ منظور ما تنها پرداختن به جهان‌بینی توحیدی و ابعاد آن نیست. زیرا شهر را می‌بایست متشکل از اجزاء و عوامل مرتبطی دانست که هدفدار است و دارای مبنا یا علتی برای تحقق آن هدف است.

شهر متشکل از اجزاء کوچک‌تری است که کل تحت شمول خود را می‌سازد. این اجزاء به صورت سامان‌دار در راه رسیدن به اهداف در تمامی ابعاد و ویژگی‌هایشان از یک مبنا ناشی می‌شوند و هدایت می‌گردند. در واقع نقش و کارایی که ما آن را هدف تشکیل شهر می‌دانیم، خود معلول

علت تامه‌ای است اجزا و عناصر معماری را ترکیب کرده و می‌توان آن را فلسفه‌ی هم‌نشین اجزاء یا مبنا نامید. مبنا سه پهنه‌ی معرفتی بشر را تشکیل می‌دهد، این سه متغیر جوهره‌ای را می‌سازد که اعتبار آن را جهان‌بینی می‌نامیم (ذوالفقارزاده ۱۳۸۴، ۱۰۳). جهان‌بینی یا جهان‌شناسی چون نوعی شناخت است (پیشوائی ۱۳۵۷، ۵۶) به طور کلی ممکن است از سه منبع الهام شود: علم، فلسفه و دین، پس جهان‌بینی سه گونه است: علمی، فلسفی و مذهبی (مطهری ۱۳۹۰، ۹).

آنچه زیربنای سازنده‌ی شهر اسلامی اطلاق می‌گردد به صورت کلی شامل هدف، مبنا و عواملی است که اجزاء سازنده شهر را برای هدفی خاص و بر اساس یک مبنا با یکدیگر هماهنگ می‌سازد (ذوالفقارزاده ۱۳۹۳، ۳۹)؛ در این‌جا هدف حقیقی به طور کلی ایجاد فضایی است که انسان را در روند شناخت جاودانگی خود و سیر تکامل خویش به سمت حقیقت مطلق یاری رساند و او را از ظلمات فهم به نور ابدی هدایت کند (همان: ۴۰) و هدف بیرونی ساختن مکان مقدس با چهار صفت امن (امنیت و صلح)، حی (شکوفایی و حیات‌بخشی)، طیب (پاک و پاکیزه) و سلم (سلامتی) در عرصه‌ی مادی و معنوی، تقویت بنیان اجتماعی و تشکیل امت واحده است.

مبنا هم که علت تحقق هدف است با بررسی جهان‌بینی دینی، فلسفی و علمی در خصوص شهر اسلامی محقق می‌شود. این سه جهان‌بینی در طول هم قرار دارند نه در عرض هم. با ارتباط دین با فلسفه و علم معرفت بشری کامل گشته و راه سعادت محقق می‌گردد. مبنا توسط مبانی (موضوعات مفهومی) مشخص می‌گردد و موضوعات مفهومی همان فرایند طراحی اهداف است (پوردیهیمی ۱۳۹۰، ۱۱).

عوامل، باعث ایجاد هماهنگی و همکاری سامان‌دار اجزاء تشکیل دهنده‌ی شهر می‌شود. عوامل همان مرحله‌ی عمل و راه وصول به هدف شکل‌گیری شهر است که توسط موضوعات ساختارساز مشخص می‌گردد. موضوعات ساختارساز نیز همان راهبردهایی است که از سطح نگرش‌ها کسب می‌کنیم. موضوعات ساختارساز یا اصول

سازمان‌دهنده در شکل‌گیری شهر در سه سطح از عوامل سیاسی - اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تعریف می‌گردد. بنابراین مدل‌سازی فرآیند طراحی به وسیله‌ی پیوند زدن این سه لایه به یکدیگر در بنیان سازنده‌ی شهر اسلامی امکان‌پذیر است (نمودار ۳). این مدل بر پایه‌ی نگاه عمیق و سامان‌مند به هستی و الگوبرداری از آن محقق می‌شود، در این نگرش سیستمی به عالم، تعریف جامعی از شهر شکل می‌گیرد که جامع همه‌ی دیدگاه‌ها و نظرات صاحب نظران است.

۵. فرهنگ و فرآیند راهبردی‌سازی آن در نظام شهرسازی اسلامی

۱-۵. فرهنگ و شهر اسلامی: فرهنگ واژه‌ای فارسی و مرکب از دو جز «فر» و «هنگ» است؛ «فر» پیشوند و به معنای شوکت و شکوه، نمایانگر و یا نشانه‌ای از والانگریستن و به ارزشمندی اندیشیدن و در تعالی گام نهادن است، ضمن این‌که به جلو نگرستن را به مفهوم زمانی - مکانی دربردارد.

«هنگ» نیز از ریشه‌ی اوستائی «تنگا» و به معنی سنگینی و وقار، فهم و معرفت، هوش و هشیاری، کشیدن و به دست آوردن، قائم بر آموزش و پرورش است. اصطلاح فرهنگ در ادبیات فارسی، برحسب زمان و مورد (قبل و بعد از اسلام) با مفاهیم مختلف به کار رفته است: از جمله به معنی دانش، حرفه، علم، فنون، ورزش‌ها، آموختن و به کار بستن، عقل، ادب و بزرگی و سنجیدگی (روح الامینی ۱۳۶۸، ۱۲).

فرهنگ شیوه انتخاب شده برای کیفیت زندگی است که با گذشت زمان و مساعدت عوامل محیط طبیعی و پدیده‌های روانی و رویدادهای نافذ در حیات مادی و معنوی یک جامعه و یک فرد به وجود می‌آید. انتخاب شیوه‌ی مناسب برای کیفیت زندگی، به طرز تعقل سلیم و احساسات تصعید شده در حیات معقول تکاملی بستگی دارد. این امر در فضای حیات طیبیه امکان‌پذیر می‌گردد. عقل (عقل نظری) به‌عنوان نیروی راهنما و راهبردی اندیشه با تعدیل حس، وهم و خیال، از افراط و تفریط می‌پرهیزد و آن‌گاه پس از پیراستن اندیشه، عقل عملی، زانوی شهوت و غضب

اعمال می‌کند تا دستگاه انگیزه و اراده نیز پاک شود و علم به مرحله‌ی عمل (تمدن‌سازی، شکل‌گیری اثر) بارآید (جوادی‌آملی ۱۳۹۱، ۱۲۰).

این نوع فرهنگ، فرهنگی پویا، هدف‌دار و پیشرو است که هرگز در محاصره‌ی آن نمودها و فعالیت‌هایی که تحت تأثیر عوامل سیال زندگی و شرایط زودگذر محیط و اجتماع قرار می‌گیرد نمی‌افتد؛ زیرا عامل محرک این فرهنگ، واقعیات مستمر طبیعت و ابعاد اصیل انسانی است و هدف آن عبارت است از آرمان‌های نسبی که آدمی را در جاذبه‌ی هدف اعلا‌ی حیات (قرار گرفتن در آهنگ کلی هستی و وابسته به کمال برین) به تکاپو درمی‌آورد (جعفری ۱۳۹۰، ۱۵۵).

بدین ترتیب باید فرهنگ را عامل تعیین‌کننده در رفتار انسان‌ها و شامل ارزش‌ها، هنجارها و نظام اعتقادات یک جامعه، مشتمل بر سنت‌ها، آداب و رسوم، مذاهب، ایدئولوژی‌ها، تشریفات مذهبی، میراث و زبان و کلیه‌ی عادات‌ها با دیدگاه‌های مشترک بدانیم (طاهری ۱۳۷۳، ۱۷). مراد از فرهنگ در این نوشتار عبارت است از مجموعه‌ی باورها، دانش‌ها، معارف، آداب، رسوم و ارزش‌هایی که جامعه‌ای بر مبنای اعتقادات خود آن‌را تکامل بخشیده و بر اساس آن مجموعه، مشی می‌نماید. و در این مشی، هدف او رسیدن به تعالی و تکاملی است که جهان‌بینی‌اش برای او تعریف و تبیین نموده است (نقی‌زاده ۱۳۹۲، ۶۸). اسلام به‌عنوان یک طرز فکر، یک جهت فکری و یک جهان‌بینی، وقتی به تمدن اسلامی تبدیل می‌شود، به فرهنگ و محیط اطرافش توجه می‌کند (شریعتی ۱۳۸۹، ۱۱۹).

فرهنگی را که جهان‌بینی اسلام بنا نهاد، حیات هدف‌داری است که ابعاد زیباجویی و علم‌گرایی و منطق‌طلبی و آرمان‌خواهی انسان‌ها را به شدت فعال کرده و همه‌ی عناصر فرهنگی را متشکل می‌سازد؛ وحدت فرهنگ را پیرو وحدت روحی آدمی قرار داده و از تجزیه و متلاشی شدن آن جلوگیری می‌نماید. اسلام از آن‌جا که قائل به فطرت یگانه است، فرهنگ را نیز یگانه تعریف می‌کند. عناصر فرهنگ اسلامی که در منابع معتبر، ادب، خصال، علم و اخلاق، به مفهوم عمومی آن و محاسن امور نامیده

جمعی و مبین امور معنوی هستند) و طبیعت (نحوه نگرش انسان به طبیعت و عناصر آن، ارتباط و تناسب طبیعت با عناصر انسانی) از آن جهت دارای اهمیت است که جهان بینی حاکم بر جامعه مبین آن‌ها است. (نقی‌زاده ۱۳۸۶، ۹).

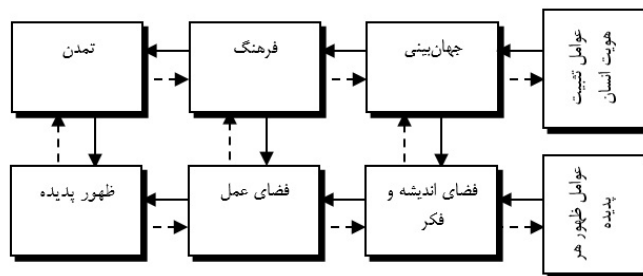
به این ترتیب، فرهنگ به مثابه‌ی «ادب زندگی» و ادب زیستن در شهر ظاهر می‌شود. این آداب که در هر تمدن و ملتی ویژگی‌های خاص خود را دارد، به مثابه‌ی معنا و جان زندگی آن ملت و تمدن ظاهر می‌شود. فرهنگ دارای دو بعد بینش و عمل است. در بعد کالبدی به بهینه‌سازی شرایط مادی در زمان و مکان و در بعد ذاتی به پالایش همیشگی اذهان و غبارروبی از این حقیقت یگانه در طول زمان می‌پردازد (نقره‌کار ۱۳۸۷، ۵۷).

می‌شوند، همگی را درون یک مفهوم عالی به نام حکمت جای می‌دهد (جعفری ۱۳۹۰، ۱۷۰). این حکمت شامل هر گونه نمود و فعالیتی است که می‌تواند نیروبخش حیات هدف‌دار برای هر فرد و جامعه باشد.

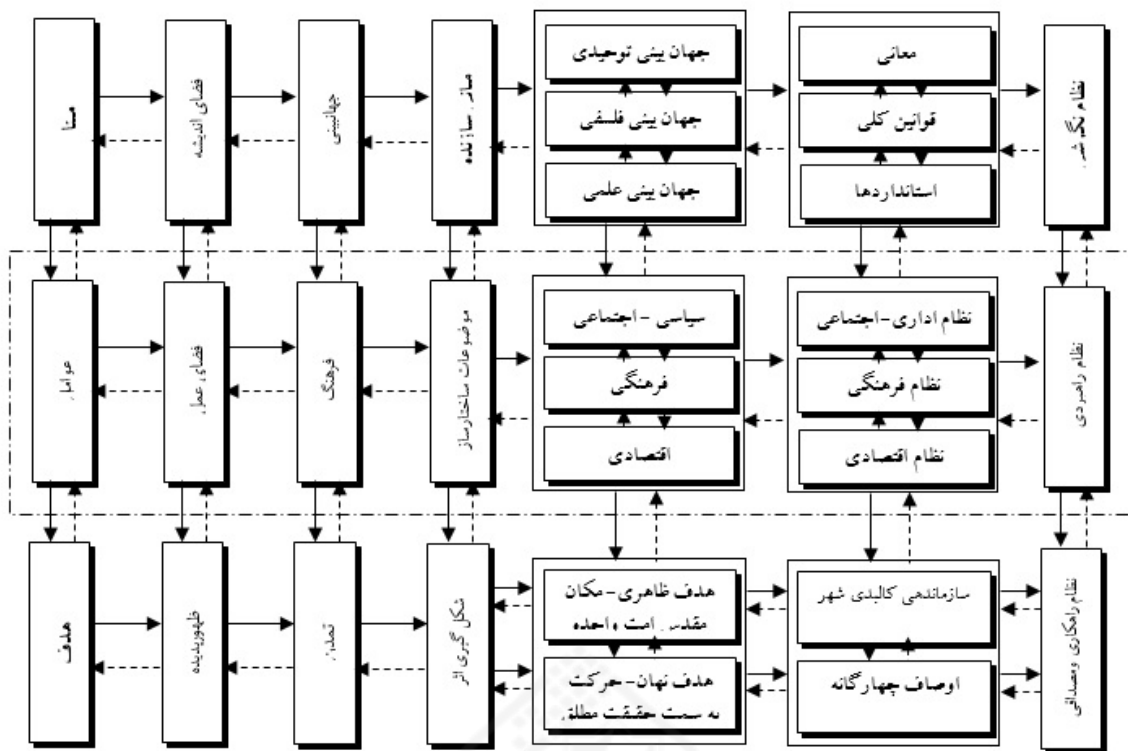
در شهرسازی نیز همین طور است، فضای زندگی آمیزه‌ای از انسان، طبیعت و محیط مصنوع است که فرهنگ و جهان بینی مردم به عنوان بستر و فضایی که این عناصر در آن غوطه‌ور هستند ایفای نقش می‌نماید. در واقع جهان بینی و فرهنگ، اصول ارتباط عناصر طبیعی و مصنوع با یکدیگر و با انسان را تبیین می‌نمایند. در شکل‌گیری محیط و فضای زندگی، انسان (فعالیت‌ها، رفتارها، روابط اجتماعی و ادراکاتش از محیط و در محیط)، عناصر انسانی (تجلی‌گاه فرهنگ و ارزش‌های جامعه، تاثیرگذار بر رفتار فردی و



نمودار ۲. چارضلعی یگانگی مفاهیم مادی و معنوی در شهر ربانی (مأخذ: نوحی)



نمودار ۳. عوامل ظهور هر پدیده انسانی بر مبنای عوامل تثبیت‌ساز هویت انسان (مأخذ: نگارندگان)



نمودار ۴. مبانی ساختار ساز شهر اسلامی - ایرانی / محدوده مورد مطالعه تحقیق (مأخذ: دل زنده ۱۳۹۳)

## ۲-۵. روش راهبردسازی فرهنگی شهر اسلامی:

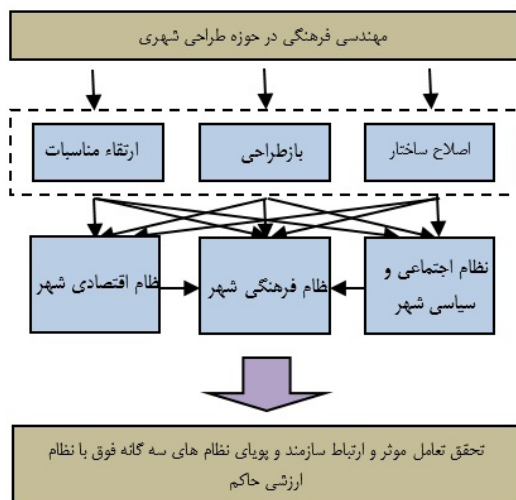
او نیز به همان سان در شکل گیری فرهنگ و روش زندگی خود او تأثیر می گذارد (اشتریان ۱۳۹۱، ۲۹۷).

دین که خود مفهومی راهبردی دارد شامل دو رکن ذاتی و اساسی است. این دو رکن، یعنی آموزه و روش - که اولی وسیله‌ای است برای تمایز نهادن میان حق و باطل و دومی راهی است برای وصال انسان به حق، توانایی تبیین زیرساخت‌های اساسی را داراست (نصر ۱۳۸۳، ۷۵). اگر مفهوم استراتژی را به روش یا سیاست کلی برای نیل به هدف‌های معین معنا کنیم و بدانیم که استراتژی به معنای روش، در مقابل تاکتیک (آموزه) به معنای آمادگی و برنامه‌ریزی بلند مدت‌تر و دوربردتر و گسترده‌تر قرار می‌گیرد (ذوالفقارزاده ۱۳۹۲، ۳)، آنگاه می‌بایست آموزه‌ی دین را در تمایز حق و باطل قطب درون ذاتی فرهنگ و روش آن را در راه وصال انسان به حق، قطب برون ذاتی فرهنگ دانست؛ در این تعریف فرهنگ به عنوان اصلی راهبردی در یک نظام ارزشی در تمامی عرصه‌ها و حوزه‌های دستاورد بشری از جمله شهرسازی اسلامی حضوری اثرگذار دارد.

طبیعی است نظام اسلامی برپایه‌ی جهان بینی اسلامی که رابطه‌ی متقابل انسان‌ها را مشخص می‌کند و اساس فرهنگ را پی می‌ریزد؛ بر مبنای یک سیستم ارزشی بنا شده است. در این سیستم مذهب و ایدئولوژی ساختار اصلی نظام کلی حاکم بر آن است که بر کلیه‌ی آثار انسانی از جمله شهرسازی تأثیر می‌گذارد و به آن محتوا و فرم می‌دهد. و از سوی دیگر شهر نیز به گونه‌ای غیرمستقیم یکی از پایه‌های اصلی زندگانی انسان‌ها و فرهنگ آن‌هاست. در این نظام ساختاری، معنویت توحیدی یا جهان بینی اسلامی ملاک اصلی است و فرهنگ با نگاهی هستی‌شناسانه آغاز می‌شود و رابطه‌ی انسان با جهان هستی، خودش، دیگران و طبیعت را با مبداء آن تعیین می‌کند. انسان در این ساختار در مجموعه‌ای از ارتباطات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی رشد می‌کند و خود را به گونه‌ای نوآورانه با تحولات زمانی-مکانی انطباق می‌دهد. و از طرف دیگر محیط زیست اقتصادی انسان و رویه‌های انتظام بخش زندگی اجتماعی



برنامه‌های تاکتیکی شاخص‌ها، ارزش‌ها و اصول اصلی نظام راهبردی فرهنگی را در فرآیندهای آفرینش و خلق اثر شهرسازی تبیین می‌نماید.



نمودار ۵. عوامل کلان متشکله مهندسی فرهنگی در ساخت نظام شهر (مأخذ: نگارندگان)

**۵-۳-۱. شاخص‌ها و ارزش‌های مهندسی فرهنگی شهر اسلامی:** روش مهندسی فرهنگی عبارت است از فرآیند بازطراحی و وحدت‌بخشی هدفمند بین نظام فرهنگی مهندسی شده با سایر نظام‌های فرعی به عنوان یک نظام یک‌پارچه که به شکل واحدی شکل می‌گیرد. در این فرآیند، کارکردها و ساختارهای هر یک از نظام‌های فرعی مبتنی بر مفروضات، ارزش‌ها و باورهای نظام ارزشی، برپایه‌ی شاخص‌ها و ارزش‌های بالادست و تدوین شده بازبینی و بازسازی می‌شود (بنیانیان ۱۳۹۲). در شهر اسلامی سه لایه یا نظام، راهبرد فرهنگی مهندسی شده و نظمی واحد را به وجود می‌آورد. به منظور باز طراحی و وحدت‌زایی بین هر لایه از شاخص‌ها و ارزش‌های کلی و جامع‌نگر بهره گرفته می‌شود.

**۵-۳-۲. ضوابط و معیارهای پیوست فرهنگی شهر اسلامی**

پیوست فرهنگی مجرای است که از طریق آن آثار انسانی (شهراسلامی) بدون آسیب به هویت فرهنگی، بومی و بدون تغییر ارزش‌های فرهنگی و دینی‌اش شکل

بنابراین نظام ارزشی اسلامی در جهت دستیابی به اهداف خود (جاری کردن فرهنگ و ارزش‌های دینی و اخلاقی در جامعه و اداره زندگی بر اساس اصول اصیل از جمله: قرآن، شریعت، سنت و فقه اسلامی) نقشه‌ای راهبردی را برنامه‌ریزی می‌کند که در دو سطح تاکتیکی- درون ذاتی و استراتژیک - برون ذاتی در شهر اسلامی قابل بررسی و برنامه‌ریزی است. این دو قطب مجموعه‌ای از عناصر و گزاره‌های به هم پیوسته و نظام‌مند هستند که عناصر و اجزاء آن تابع اهداف آن نظام ارزشی (نظام اسلامی) است و هدف‌گرایی آن به این عناصر شکل می‌دهد و ساختار ارتباطی آن را با یکدیگر تعیین می‌کند.

**۵-۳-۳. اصول راهبردی‌سازی فرهنگی شهر اسلامی:** فرهنگ از مختصات ذاتی، مزیت‌های راهبردی، انحصاری و سرنوشت‌ساز یک نظام ارزشی است. تحقق آرمان‌ها و اهداف جامعه مستلزم تأمین کارکردهای فرهنگی آن نظام ارزشی است. نظام ارزشی (نظام دینی) برای پیشبرد اهداف و جاری سازی آرمان‌های خود نیازمند یک برنامه مدون و معین و راهبردی است که می‌تواند در تمامی حوزه‌های انسانی از جمله شهرسازی اجرا گردد. شهر اسلامی در سطح راهبردی - فرهنگی در سه بخش کلی سیاسی- اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نیازمند اصولی راهبردی است که با نظام ارزشی حاکم همگام و هماهنگ باشد.

در فرآیند راهبردی‌سازی نظام اسلامی متناسب با اهداف آن، رهبر معظم انقلاب اسلامی ذیل برنامه‌ی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، مهندسی فرهنگی را به عنوان آموزه و تاکتیک و پیوست فرهنگی را به عنوان ابزار، روش و برنامه‌ی استراتژیک، ارکان اصلی مدیریت فرهنگی در سطح راهبردی نظام فرهنگی، برای پیشرفت نظام اسلامی مطرح نموده‌اند. بنا به نظر معظم‌له مهندسی فرهنگی را در حوزه‌ی شهرسازی می‌توان باز طراحی، اصلاح و ارتقاء شئون و مناسبات نظام‌های سیاسی - اجتماعی، نظام‌های فرهنگی و نظام اقتصادی سازنده‌ی شهر اسلامی دانست. در واقع جوهره و کارکرد مهندسی فرهنگی تحقق و تأمین نحوه‌ی تعامل مؤثر و ارتباط سازمان‌دهی شده و پویای نظام‌های فوق با نظام ارزشی حاکم است که به عنوان

می‌گیرد (بنیان‌یان ۱۳۸۹). پیوست فرهنگی به عنوان یک روش استراتژیک فرآیند تعیین، پیش‌بینی، ارزیابی و آگاه‌سازی و مدیریت پیامدهای مثبت و منفی و تأثیرات احتمالی اتخاذ سیاست‌ها، برنامه‌ها و شیوه‌های اتخاذ شده در طراحی لایه‌های فرهنگی شهر اسلامی در سطوح سیاسی- اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است. به صورتی که ضوابط و معیارهای مدون شده‌ی پیوست فرهنگی با هدف کاهش تأثیرات مخرب و افزایش نتایج مثبت در فرآیند برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی برنظام هستی‌شناسانه، معرفت‌شناسانه و انسان‌شناسانه‌ی موجود در فرآیند طراحی اثر، تأثیر گذارد (برگرفته از مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۲). پیوست فرهنگی به عنوان ابزار کارساز، پیوند مدیریت راهبردی با مدیریت برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی فرآیند طرح با محوریت فرهنگ را فراهم می‌سازد و هدف آن برقراری انسجام محتوایی بین باورها و ارزش‌های هنجاری شده بین لایه‌های راهبردی فرهنگی اثر و راهکارهای عملیاتی آن با ضوابط و معیارهای مدون و معین است (برگرفته از بنیان‌یان ۱۳۹۲).

## ۶. مدلسازی راهبرد فرهنگی در قالب روش فرآیند طراحی شهر (نظام فکری سازنده) شهر اسلامی - ایرانی

### ۱-۶. چیستی و چگونگی روش فرآیند طراحی شهر اسلامی - ایرانی

در نگاه ما شهر اسلامی خود بیان‌کننده اصول، مبادی و پیام معنوی وحی الهی است وحی الهی حقایق باطنی مشترک همه‌ی عناصر تشکیل‌دهنده با یک فرهنگ است و عامل وحدت، انسجام و هماهنگی اجزای آن به شمار می‌رود (اعوانی ۱۳۷۴، ۴۷) می‌توان شهر اسلامی را به صورت یک کل نگریست که از لحاظ فلسفی پیوند و ترکیب و اتحاد اجزاء و عناصر مختلف در یک کل هماهنگ به صورت مجموعه‌ای متحد است (توسلی ۱۳۹۳، ۹۸).

در این ترکیب و هماهنگی نظمی وجود دارد که در پی بیان وجود در موجود است. در اندیشه اسلامی وجود واجب یک کل واحد است که سراسر عالم وجود را پر کرده است . کل هستی یک ابرسامانه (متشکل از ممکن الوجودها) را

تشکیل می‌دهد. مجموعه کثیری از اجزاء مختلف که یک کل واحد را می‌سازند (نقره کار ۱۳۷۸، ۳۶۵) شهر اسلامی ابر سامانه‌ای است که از اجزای (لایه‌های) مختلف ساخته شده، که هر کدام خود نماینگر به کل واحد و جزئی از یک کل واحد است که حول یک محور و یک مرکز واحد در گردش است. یک رابطه عرضی با رده‌ای از سلسله مراتب در میان اجزاء وجود دارد که علاوه بر روابط عرضی در میان یک ساختار رده‌بندی شده و سلسله مراتبی روابط طولی از بالا به پایین هم قابل شناسایی است. در این ساختار هر جزء به سامانه و منظومه بالاتر از خود وابسته است. ساختار رده بندی شده‌ای که همواره از کثرت به سوی وحدت در حرکت است (همان، ۳۷۴).

این نظم سامانه‌ای در بیان مفاهیم از آشکار به پنهان، از ظاهر به باطن و نفی زمان و مکان اصول و قواعدی را به کار می‌گیرد که گذر از شکل به محتوا است (حبیبی ۱۳۷۷، ۵۱). مفاهیم در شهر اسلامی اصولاً در دو سطح مطرح هستند مقولات مرتبط با جنبه غیرمادی بر شکل کالبدی و مادی آن اثر می‌گذارند و اصول مادی آهنگی را از طریق ترکیب توده و فضا به وجود می‌آورد که در تعامل با حرکات انسانی (مجموعه رفتارها، هنجارها و فعالیت‌ها) در فضا، ساکنان و عابران شهر را جزئی از آن فضا می‌سازد (حبیبی ۱۳۸۲، ۳۳). در حقیقت آنچه به شهر اسلامی بر پایه ارزش‌های اجتماعی شکل می‌دهد یک نیروی سازمان دهنده مادی است که ریشه در مفاهیم معنوی و باطنی دارد و دیگری نیروهای پیوند دهنده‌ای است که همزمانی و در زمانی حرکات انسان را با عناصر تشکیل دهنده شهر درهم می‌آمیزد. این دو نیروی سامان‌بخش در تعامل با یکدیگر ارتباطی ساختاری و مجموعه‌ی یکپارچه از فضای گفتگو میان توده و فضا با ساکن یا عابر را فراهم می‌سازد که همان ساختار شبکه‌ای شهر است. این تعامل فضایی می‌تواند علاوه بر تقویت بنیان‌های اجتماعی و تجربیات جمعی، حرکات و تصورات ذهنی متفاوت از ساختار شهر، در کلیت ظاهری آن ساختار واحدی ایجاد نماید به طوری که طراحی اجزاء شهر کل آن را در برگیرد.

### ۲-۶. نحوه‌ی ساماندهی اطلاعات در روش

## طراحی شهر اسلامی و مدلسازی راهبرد

**فرهنگی در آن:** روش مجموعه‌نگر یا نظام‌مند به صورت کلی شامل هدف، مبنا و عوامل است. نظام مجموعه‌ای از عناصر و اجزای مرتبط است که برای هدف معین و بر اساس یک مبنا با هم هماهنگی دارند. در این شیوه، هر موضوعی دارای مبنا (علت تحقق هدف) و مقیاس (هدف‌گذاری شده) است و به عبارتی مبنا، موضوع و هدف تشکیل‌دهنده‌ی عوامل این نظام یا روش است. بر این اساس، شهر نیز به عنوان یک مجموعه یا نظام، دارای هدف و مبنا و عوامل است. با این نگرش، هر موضوع و پدیده‌ای را در جهان، از ذره تا بی‌نهایت، به عنوان یک مجموعه یا یک نظام می‌توان نگریست و از نظام بی‌نهایت کوچک تا بی‌نهایت بزرگ را مورد بررسی و تحقیق قرار داد. هدف در مجموعه بدین معنا است که اجزاء و عناصر در یک نظام در ارتباط با هم، خصلت مشترکی را به وجود می‌آورند که همان کارآیی، نقش، جهت یا هدف مجموعه را محقق می‌سازد. برای تعیین هدف شهر اسلامی مراحل ذیل پیشنهاد می‌شود: الف) موضوع نظام یا مجموعه را به اجمال مشخص می‌کنیم که در اینجا موضوع، شهر اسلامی است؛ ب) هدف کلی‌ترین نظام ملاحظه می‌شود، هدف کلی‌ترین سیستم جامعه‌ی اسلامی، تکامل، تقرب و تعالی انسان است؛ ج) موضوع را مشخص می‌کنیم، موضوع شهرسازی، طراحی و سامان‌دهی فضای زیست انسان است (ذوالفقارزاده ۱۳۹۰، ۳۰).

از جمع‌بندی این سه، هدف را معین می‌کنیم. بنابراین، حاصل جمع این مراحل، هدف شهرسازی اسلامی یعنی طراحی و سامان‌دهی فضای زیست، جهت تعالی و تقرب انسان است. این رویکرد هوشمند و منعطف است و به مورد طراحی و معضل جامعه در آن بخش نگاه می‌کند. هدف شهرسازی اسلامی به طور کلی ایجاد فضایی است که انسان را در روند شناخت جاودانگی خود و سیر تکاملی خویش به سمت حقیقت مطلق یاری رساند و او را از ظلمات فهم به نور ابدی هدایت کند. مبنا در نظام، علت تحقق هدف است. برای رسیدن به یک نظام خاص، عناصر و اجزاء باید به گونه‌ای کنار هم چیده شوند که

بتوانند هدف را محقق سازند.

در این روش هر سه لایه‌ی کلی که از مفهوم به مصداق امتداد می‌یابند فرآیند تحقق و یا اجرای برنامه‌ها هستند. با این روش رفتاری حکیمانه تعریف می‌شود که در آن برای همه چیز جایگاه و مختصات ارزشی وجود دارد. در راهبرد فرهنگی شهر اسلامی در سطح مفهومی (اصول راهبردی) دو قطب تاکتیکی درون‌ذاتی (مهندسی فرهنگی) و استراتژیک- برون‌ذاتی (پیوست فرهنگی) و در سطح کاربردی سه لایه‌ی سیاسی- اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی وجود دارد.

## ۳-۶. شیوه ارتباط اجزاء در روش طراحی شهر اسلامی و مدلسازی راهبرد فرهنگی در آن:

شیوه‌ی ارتباط اجزاء در درون سطح و سطوح مختلف به صورت افقی (عرضی) و عمودی (طولی) است بدین ترتیب که همه‌ی اجزاء در عین حالی که در سطح با یکدیگر ارتباط دارند در رابطه‌ی طولی اجزاء در محور خاص موضوعات، دارای ابتدا و انتها هستند. در این روش رابطه‌ی طولی اهمیت بیش‌تری دارد، زیرا محور اصلی در این مدل‌سازی مبنا یا نظام ارزشی حاکم بر شکل‌گیری هدف، یعنی اتحاد میان عناصر فرهنگی با مبداء پیدایش هستی (جهان‌بینی‌ها) است. همچنین نحوه‌ی تعامل میان اجزاء در سطح تعاملی است و ارتباط تنگاتنگی میان اجزاء برقرار می‌گردد. در این ارتباط، اجزاء در هم ذوب شده و یا با هم ترکیب می‌شوند و معنای واحدی را ایجاد می‌نمایند. به معنای عمیق‌تر از یک طرف وحدت و از طرف دیگر کثرت حاصل ارتباط تعاملی میان اجزاء است (اسلامی ۱۳۹۲، ۸). در این نگرش همه‌ی اجزاء با هماهنگی و همکاری خود، نمودار «وحدت در کثرت» هستند.

## ۴-۶. ساختار و سیستم در روش طراحی شهر اسلامی و مدلسازی راهبرد فرهنگی در آن: ساختار

ارتباطی اطلاعات میان اجزاء، در درون سطوح و ارتباط میان سطوح اصول راهبردی (مفهومی) و نظام راهبردی (کارکردی) راهبرد فرهنگی شهر اسلامی به صورت مارپیچی یا حلزونی است. در این روش، حرکت اطلاعات در درون و برون سطوح از داخل به بیرون و بیرون به داخل

به صورت پیوسته و نرم در ذهن طراح صورت می‌گیرد، در این روش حرکت قابل قطاع‌بندی و گاهی استعلایی است و موضوع و هدف در مرکز (محور اصلی) به تعالی و اوج می‌رسد (نمودار ۶) (اسلامی ۱۳۹۲، ۸).

این روش، دیدگاهی فراگیر به مسائل فرهنگی دارد. اصول راهبردی و نظام راهبردی را به منظور دستیابی به هدف غایی در نظام سامانه‌های تشکیل دهنده شهر هدایت می‌کند. مفهوم وحدت، بازنگشتن و تکرار نشدن ویژگی ذاتی و بنیادی همه‌ی اجزاء و روابط آن‌هاست، همه‌ی اجزاء در این روش مورد بررسی قرار می‌گیرد و روابط و آثار متقابل آن‌ها روشن می‌شود (نقره‌کار و رنجبر کرمانی ۱۳۹۲، ۳۰).

به طور کلی در این مدل سامانه‌ای، سه شاخصه‌ی مهم وجود دارد: نخست آن‌که هر سامانه‌ی تشکیلاتی انسانی از جمله شهر، در تمام لایه‌های تشکیل دهنده‌اش یک نهاد تفکری دارد و باقی اجزای آن خود دارای نهاد تفکری هستند؛ دوم وجود هماهنگی و همکاری سامان‌دار میان اجزاء و سوم هدف‌مندی یک سامانه در جهت ایجاد مجموعه‌ای نظام یافته. در جهان‌بینی اسلامی هدف نهایی انسان یعنی دستیابی به اوصاف الهی اساساً با مبدأ (جهان‌بینی الهی) یکی است و محور اصلی، نگه‌دارنده سامانه، محور الهی است و تمای اجزاء و رابطه‌ی آن‌ها با یکدیگر و اهداف آن‌ها با این محور و هدف تبیین، تدوین و مدون می‌گردد.

#### ۷. بررسی و تحلیل یافته‌ها

شهر اسلامی یا شهر آرمانی اسلامی براساس آموزه‌های دینی اسلام برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت می‌گردد. بر اساس جهان‌بینی اسلامی و استدلال‌های مطرح شده در بدنه‌ی تحقیق، شهر به عنوان سامانه‌ی تشکیلاتی انسانی از هویت سیستمی و سامانه‌ای برخوردار است. فرآیند ظهور و شکل‌گیری شهر اسلامی و طراحی آن برپایه هویت سیستمی و سامانه‌ای، هم‌پوشانی و انطباق سه فضا یا عنصر (به عنوان ارکان سازنده آن) در ذهن طراح است. بر این مبنا می‌توان براساس سه شاخصه‌ی اصلی نظام سامانه‌ای، ظهور شهر اسلامی را این‌گونه مدل‌سازی نمود. سه فضای اصلی در سطح نگرشی، راهبردی و راهکاری

در شکل‌گیری شهر اسلامی وجود دارد. هر کدام از این سه سطح برمبنای هویت سیستمی شامل فضای فکری- لایه‌ی نگرشی (حوزه جهان‌بینی)، فضای عملی- لایه‌ی راهبردی (حوزه‌ی فرهنگی)، فضای کالبدی- لایه‌ی راهکاری (حوزه تمدنی) اثر است. این سه فضا برمبنای جهان‌بینی الهی حول محوری واحد (دین یا روش زندگی الهی) از مبنا تا هدف شهر اسلامی را شکل می‌دهند. در این تعریف مبنا یا مبداء پیدایش شهر اسلامی جهان‌بینی‌های تشکیل‌دهنده‌ی آن (دینی، فلسفی و علمی) است که به هدف شهر یا حوزه‌ی تمدنی اثر، بستر ظهور شهر اسلامی منتهی می‌گردد. در لایه‌ی تمدنی یا فضای کالبدی یا هدف شکل‌گیری اثر، عناصر کالبدی سازنده‌ی اثر، هدف پنهان (شکل‌گیری شهر اسلامی، مکان مقدس، مکان شکل‌گیری امت واحده) و هدف غایی (شهر الهی- انسانی با چهار ویژگی حی، امن، سلم و طیب) وجود دارد.

در این مدل آنچه مبنا را به هدف منتهی می‌کند و رابط مبنا با هدف در شکل‌گیری شهر اسلامی است، فضای عملی یا لایه‌های راهبردی فرهنگی است، که اساس نظم یا نظام سامانه‌ای طرح را تعیین می‌کند. نکته‌ی مهم در این مدل آن است که برپایه‌ی جهان‌بینی الهی مبنا و هدف در اسلام یکی است و آن عبادت الهی و رسیدن به خداست و دین راه رسیدن به آن است. به همین منظور هرچه در این ساختار و بر روی این محور شکل می‌گیرد مدل واقعی، اجرایی و زندگی ساز است (نمودار ۷).

فضای عملی سازنده‌ی شهر اسلامی در لایه‌ی راهبردی، حوزه‌ی فرهنگی است که ما آن را لایه‌ی راهبرد فرهنگی می‌نامیم. این لایه بنا بر استدلال‌ها و نتایج به دست آمده از بدنه‌ی تحقیق از دو قطب اصلی تشکیل شده است. قطب اول نظام مفهومی- ارزشی (اصول راهبردی) و قطب دوم نظام کارکردی- ارزشی (نظام راهبردی). نظام مفهومی ساختار پنهان و نهان موجود در نظام کارکردی است. این نظام سامانه‌ی اصلی، نظم‌دهنده و سازنده‌ی لایه‌های سه گانه‌ی راهبردی (سیاسی- اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی) است.

نظام مفهومی در ساختار مبانی شهر اسلامی بر روی

محور اصلی سامانه طراحی شهر اسلامی قرار دارد و چون محور اصلی دین (روش زندگی) است و دین خود مفهومی راهبردی دارد بنابراین نظام مفهومی (اصول راهبردی) از دو رکن ذاتی و اساسی تشکیل شده است. این دو رکن، شامل آموزه یا تاکتیک (قطب درون ذاتی نظام مفهومی) و روش یا برنامه استراتژیک (قطب برون ذاتی نظام مفهومی) است. این دو قطب عناصر و گزاره‌های به هم پیوسته‌ای هستند که عناصر و اجزاء آن‌ها تابع اهداف تعریف شده‌ی نظام دینی - ارزشی (نظام اسلامی) است و هدف‌گرایی آن به این عناصر شکل می‌دهد و ساختار ارتباطی آن را تعریف می‌کند.

نظام ارزشی (نظام دینی) برای پیشبرد اهداف خود و جاری‌سازی آرمان‌های خود نیازمند برنامه‌ی مدون و معین و راهبردی است. نظام ارزشی توسط امام یا ولی امر مسلمین متناسب با اهداف نظام ارزشی آن طراحی می‌گردد. این اهداف شامل شاخص‌ها، ارزش‌ها، ضوابط و معیارهایی است که کل سیستم راهبردی را متمرکز خود می‌سازد.

در لایه‌ی راهبرد فرهنگی شهر اسلامی، نظام راهبردی یا نظام کارکردی - ارزشی (شامل سه سطح سیاسی - اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی) تحت تأثیر و تعامل با نظام مفهومی - ارزشی (اصول راهبردی) سامان می‌یابد. در این روش که در حقیقت خود برشی از هویت سیستمی و سامانه‌ای ظهور شهر اسلامی است، مدیریت اطلاعات و مدل ساخته شده دارای هویت سیستمی و سامانه‌ای است. دو قطب سازنده‌ی لایه‌ی فرهنگی چه در سطح و چه اجزاء با ارتباطی تعاملی با یکدیگر، در هم ذوب یا ترکیب می‌شوند تا معنایی واحد را ایجاد نمایند. همه‌ی اجزاء با هماهنگی و همکاری خود سامانه‌ای را تشکیل می‌دهند که نمودار «وحدت در کثرت» است (نمودار ۸).

شیوه‌ی ارتباط اجزاء و اطلاعات در درون سطوح و لایه‌های مختلف به صورت افقی (عرضی) و عمودی (طولی) تعریف می‌گردد. اجزاء و اطلاعات آن‌ها در عین ارتباط در سطح و لایه‌ی خود، در کل در یک رابطه‌ی طولی، با یکدیگر و با محور اصلی ظهور شهر اسلامی در ارتباط است. ساختار

ارتباطی اطلاعات در اصول راهبردی (مفهومی) و نظام راهبردی (کارکردی) به صورت حلزونی و دوار حول محور واحد است که در نهایت به هدف‌های سه‌گانه‌ی طرح منتهی می‌گردد.

#### ۸. نتیجه‌گیری

لازمه‌ی شکل‌گیری آثار تمدنی اسلامی، حضور اندیشه‌ی ناب اسلامی در تمامی عناصر کالبدی، معماری، شهرسازی و ساختارها و سازمان‌های اداره‌کننده‌ی یک جامعه‌ی شهری است؛ به گونه‌ای که تفاوت کالبدی و مفاهیم کارکردی و مفهومی آن، چه در نمادهای کلامی و چه در نمادهای ارتباطی از سایر تمدن‌ها مشهود و قابل احساس باشد. و در بطن شهر شکل متعادل و زیبایی از یک حیات متفاوت با هویتی دینی را به نمایش گذارد. پیش نیاز این امر ایجاد یک فرهنگ منسجم اسلامی است تا به تدریج آثار این فرهنگ در سازوکارهای ظاهری جامعه تجلی پیدا کند.

در حال حاضر مدل ارائه شده برای ایجاد یک فرهنگ منسجم دینی، تدوین و اجرایی‌سازی دستورالعمل‌ها و شیوه‌نامه‌های مهندسی فرهنگی و پیوست‌نگاری فرهنگی در حوزه‌های مختلف از جمله شهرسازی اسلامی است. لازم است در هر حوزه روش پیاده‌سازی نظام مدیریت فرهنگی متناسب با دستور زبان خاص آن حوزه تدوین و مدل‌سازی گردد. در این تحقیق مدل اجرایی راهبرد فرهنگی نظام اسلامی با دو اصل مهندسی فرهنگی و پیوست‌نگاری فرهنگی در شهر اسلامی تبیین گردد.

در این تحقیق روش اجرای راهبردهای فرهنگی شهر اسلامی همان فرآیند طراحی یا راهکارهای مفهومی در طراحی می‌باشند. راهکارهای مفهومی به عنوان زیرساخت فکری برای راهکارهای کارکردی محسوب می‌شوند. راهکارهای مفهومی متناسب با موضوع عنصر کالبدی شهر اسلامی، با هویت سیستمی خود جبهه‌های هویتی (سیاسی - اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی) را در لایه‌ی راهبرد فرهنگی تعریف می‌کنند و در نهایت با ارائه‌ی راهبردهای کارکردی در عنصر کالبدی شهر اسلامی، نظام کالبدی شهر اسلامی را مشخص می‌سازند (نمودار ۹).

از اصول راهبردی (نظام مفهومی) و نظام راهبردی (نظام کارکردی) نظام اسلامی منتج می‌گردند. در جدول ۴، نمونه‌ای از نتایج جبهه‌های هویتی تعریف شده در سه سطح سیاسی - اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و در جدول ۵، نمونه‌ای از راهکارهای کاربردی شهر اسلامی براساس راهکارهای مفهومی تدوین شده است. از مجموع دستاوردهای دو جدول فوق می‌توان فضاهای جدید کالبدی با موضوعات: فضای علمی و تحقیقاتی (مرکز کار و تجاری‌سازی دانش بومی)، فضای آموزشی (مدرسه و آموزش‌های مهارتی)، فضای سلامتی (مرکز ورزشی و درمانی)، فضای مذهبی و فرهنگی (مسجد)، فضای تفریح و سرگرمی (شامل پارک‌ها) و فضای اقتصادی (بازار و بازارچه محلی) با ویژگی‌های بومی و فرهنگ اسلامی تعریف نمود.

راهکارهای مفهومی: اگر فرآیند طراحی را بررسی موضوع، پرسش‌افزایی و پاسخ به پرسش‌ها در قالب ایده و خلاقیت‌ها بدانیم آنگاه پرسش‌های مطرح شده در طراحی یک فضای مذهبی با رویکرد فرهنگی چه چیز می‌تواند باشد؟ اگر هدف اجتماع مردم در فضای عبادی به‌عنوان پایگاهی کالبدی برای اتفاق نظر قومی باشد، چه مفاهیمی باید در این فضا در اولویت طراحی باشند؟ پاسخ به پرسش‌های بالا وابسته به پاسخ به این سؤال است که فضای عبادی در کجا و برای چه کسی ساخته می‌شود؟ مخاطب موضوع طراحی کیست؟ زمینه و بستر طرح بسیار تعیین کننده است. بودجه‌ی پروژه در مراحل بعد می‌تواند محدودیت‌زا باشد اما این محدودیت یک فرصت است نه تهدید؛ قبل از طراحی، از مردم محله نظر سنجی انجام شود. مطالعات کافی برای حل مطالبات مردم انجام شود. به نظر می‌رسد عناوینی مثل مسجد-مدرسه یا مسجد-ورزشگاه ناخود آگاه ذهن را به سمت مجتمع‌های عظیم فرهنگی می‌برد اما این مورد توصیه نمی‌شود. مقولات ادراک طبیعی علاوه بر نیروها، نظم، خصلت، نور و زمان را نیز که بعدی کاملاً متفاوت است شامل می‌شود. روح مکان انسان ساخت به این امر وابسته است که این مکان‌ها بر حسب فضا و خصلت یعنی بر حسب سازماندهی و انسجام چگونه هستند. راهکارهای کارکردی: به نظر می‌رسد فضای عبادی که با هدف اجتماع و ارتباط‌سازی و فرهنگ اسلامی ساخته می‌شود، باید در سه بخش کارکرد اقتصادی، کارکرد فرهنگی و کارکرد سیاسی - اجتماعی فعالیت داشته باشد. این فضا باید در جذب توده‌ی مردم شهر موفق باشد و برای نیل به این مهم لازم است تا نیاز اکثر مردم را تأمین کند. این به معنای رفعت و بزرگی بنا نیست. مقیاس فضای مذهبی برای سرویس دهی باید نهایتاً یک محله‌ی شهری باشد پس بهتر است از راهکار انعطاف‌پذیری فضایی استفاده شود. این انعطاف‌پذیری نباید منجر به وسیع شدن فضاها گردد. در گذشته در کنار مساجد جامع، کاروانسراها، آب‌انبارها به‌صورت یک مجموعه ساخته می‌شدند. این گسترش در جهت سطح زمین بود. طبیعی است راهکارهای مفهومی، راهکارهایی هستند که

جدول ۲. شاخص‌ها و ارزش‌های مهندسی فرهنگی شهر اسلامی (تدوین و تنظیم نگارندگان).

جدول ۲. شاخص‌ها و ارزش‌های مهندسی فرهنگی شهر اسلامی، (تدوین و تنظیم نگارندگان).

شاخص‌ها	نظام ارزشی
تعقل	<p>- عقلانیت اسلامی: تعالی عقل در پناه دین اسلام و بنیادی‌ترین هسته فرهنگی تمدن اسلامی و معیار تعاملات فرهنگی جامعه اسلامی.</p> <p>حکمت سیاسی: پشتوانه علمی اقتدار و استقلال نظام سیاسی - اجتماعی در تعاملات جامعه</p> <p>- بصیرت اجتماعی: ارتباط منطقی و منسجم فردی و سازمانی و اجتماعی در جامعه اسلامی</p> <p>- تدبیر معیشت: تأمین معاش حلال، پاک و عادلانه و تقویت معنویت و انگیزه‌های الهی در اقتصاد جامعه</p>
ایمان	<p>- توحید محوری: نگاه به جهان به عنوان مجموعه واحد و به هم پیوسته / درک حضور باری تعالی و تعمیق معرفت و محبت به او در باورها، ارزش‌ها، رفتارها و نمادهای فردی و اجتماعی / جهت دادن همه عرصه‌های زندگی به سوی حیات جاودانه اخروی / تفویض امور به باری تعالی و رشد حق‌گرایی در جامعه.</p> <p>- ولایت‌مداری: استمرار ولایت الهی، پیامبر و ائمه معصومین و حاکمیت خدا در عرصه سیاسی - اجتماعی / امت‌سازی و وحدت و انسجام درونی با تبعیت مؤمنانه از امام امت.</p> <p>- مهرورزی: الفت، اخوت، انسجام اجتماعی، نوع دوستی، استحام و توسعه ارتباطات اجتماعی.</p> <p>- عدالت: توازن و مساوات در سطوح مختلف فردی و اجتماعی و برخورداری از فرصت‌های برابر اجتماعی.</p>
اخلاق	<p>- تقوا: رشد و تعالی فضایل / رعایت واجبات و ترک محرمات / توجه به کرامت انسانی.</p> <p>- عزت و مدارا: تعامل سازنده با جامعه / تلاش در تقویت روحیه مقاومت و پایداری / محبت و همگرایی آحاد جامعه / بهره‌مندی از همه توانمندی‌های اعضای جامعه.</p> <p>- کرامت: پاسداری حرمت و مقام والای انسانی نسبت به خویش و دیگران مبتنی بر استعداد خلافت الهی.</p> <p>- انفاق و ایثار: ترجیح منافع دیگران و مصالح جامعه بر منافع فردی و گروهی / صرف امکانات و توانمندی‌های خویش برای ایفای مسئولیت الهی و انسانی.</p>
علم	<p>- معرفت دینی: گسترش عقاید، احکام و اخلاق بر اساس اسلام ناب محمدی (ص).</p> <p>- معرفت هویتی: تقویت خودشناسی و آگاهی تاریخی و اجتماعی و بصیرت سیاسی / گسترش و تقویت خودباوری ملی و توانایی تحلیل نگرش‌های ملی و دینی ناب اسلامی و ایرانی.</p> <p>- دانش‌های تخصصی و مهارت ارتباطی: توجه به معاشرت اسلامی / توانایی تعامل سازنده با یکدیگر / مناسبات اجتماعی و خانوادگی اسلامی.</p>
عمل	<p>- امر به معروف و نهی از منکر: دعوت به نیکی و بازداشتن از بدی در سطوح مختلف اجتماعی.</p> <p>- مردم‌سالاری: تقویت روحیه حضور و مشارکت مردم در اداره جامعه با راهبری ولایت فقیه.</p> <p>- انضباط اجتماعی: تقویت قانون‌مداری / رعایت نظام اخلاقی و حقوقی در تعاملات و مناسبات اجتماعی.</p> <p>- کار و تلاش: تقویت روحیه پشتکار، سخت‌کوشی و فعالیت جهادی / ارتقاء کارآمدی نهادهای نظام اسلامی و رفا عمومی.</p>

جدول ۳. ضوابط و معیارهای پیوست فرهنگی شهر اسلامی (تدوین و تنظیم نگارندگان).

جدول ۳. ضوابط و معیارهای پیوست فرهنگی شهر اسلامی، (تدوین و تنظیم نگارندگان).

ضوابط	نظام معیارها
رشد و بالندگی انسان‌ها	<p>توجه به جانشینی انسان در زمین از جانب خدا / کامات انسانی و احترام به او / محوریت ارزش‌های انسانی در برنامه‌ها و طرح‌ها / توانمندسازی انسان و ظرفیت‌های او / کمک به بالندگی استعدادها و توانایی‌های انسانی / احترام به نظر و دای انسان‌ها / ادغام و جذب اجتماعی گروه‌های سنی، جنسی، قومی، مذهبی، طبقاتی و جغرافیایی در برنامه‌ها و طرح‌ها / شکوفایی حس زندگی، احساس امنیت، دسترسی به مزایای اجتماعی، سلامت و ارتقاء کیفیت زندگی.</p>
عدالت اجتماعی و اقتصادی	<p>بهره‌مندی تمام آحاد جامعه از امکانات شهری / فقرزدایی و رفع نابرابری اجتماعی / بهبود فضای کسب و کار و زندگی اجتماعی / تقویت تفریح و تفرج سالم و برابر / عدم طرد گروه‌های اجتماعی خاص و مختلف.</p>
انتفاع انسانی	<p>انتفاع نسل‌های مختلف / توسعه پایدار / در نظر گرفتن تمامی گروه‌های انسانی و منافع آن‌ها در طرح.</p>
ایجاد روابط انسانی	<p>تعریف روابط انسانی پایدار / اتحاد و همدلی و زندگی مسألت‌آمیز بدون تضاد میان گروه‌های مختلف اجتماعی در جامعه اسلامی / تقویت</p>

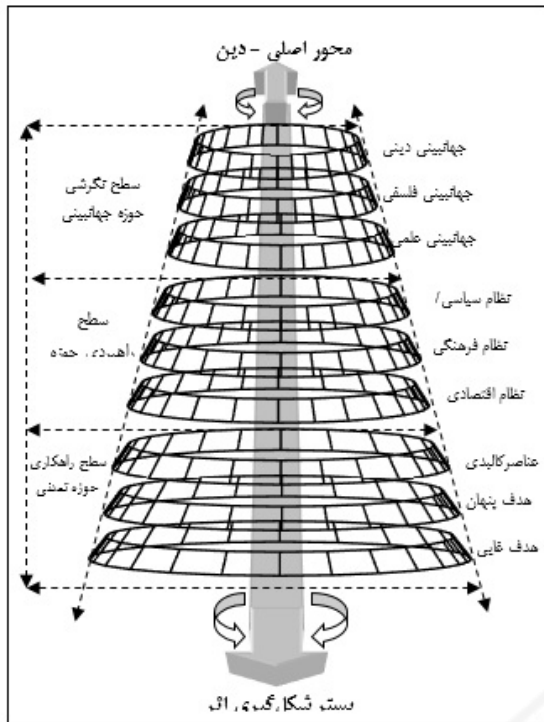
جدول ۴. راهکارهای مفهومی-تعریف نمونه جبهه‌های هویتی شهر اسلامی (مأخذ: نگارندگان).  
جدول ۴. راهکارهای مفهومی-تعریف نمونه جبهه‌های هویتی شهر اسلامی، (مأخذ: نگارندگان).

شاخص‌ها	جبهه‌های هویتی
<p><b>نظم:</b> - انتظام بخشی به فضای زیست- قرارگرفتن در محضر الهی- اتحاد اجزاء در کالبد و محتوا و نمایش وحدت- ارتباط میان ابعاد، اندازه‌ها، وسعت با جمعیت شهر- تناسبات و ترکیبات مطلوب.</p> <p><b>امنیت</b> ایجاد آسایش و آرامش توسط امنیت فردی و اجتماعی، عامل رشد و توسعه ایجاد امنیت در سطح سیاسی، فرهنگی و اجتماعی شهر با خلق فضاها و کاربری‌ها. - کاهش روابط خصمانه‌ساز بین انسان‌ها و افزایش روابط معنوی، توجه به نحوه ارتباط شهر با پیرامون و مرکز شهر و چینش درست عناصر تشکیل دهنده شهر.</p> <p><b>عدالت</b> - انجام فعالیت اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، تربیتی در شهر - رعایت حقوق و استحقاقات شهروندان- رعایت حقوق دیگران و همسایگان نسبت به هم- تلاش در ارتقای پتانسیل و ظرفیت فردی، اجتماعی مادی و کالبدی محله - رعایت عدل در تنظیم روابط یکسان طبقات اجتماعی - رعایت عدالت در دسترسی به تجهیزات، تاسیسات و امکانات موجود به طور یکسان- تشکیل مقرر حکومتی شامل نمایندگان حکومت، مردم و نماینده مذهبی- توجه به زیبایی فردی، اجتماعی، محتوایی و کالبدی در فضای شهر.</p>	سیاسی- اجتماعی
<p>- ایجاد فضاهای اجتماعی در جهت ارتقاء سطح فرهنگ شهر- توجه به مسائل اعتقادی و ارائه راهکارهای مناسب اجتماعی- ارتقاء و توجه به دستاوردهای مادی و معنوی جامعه- عینیت بخشی و توجه به اصول فرهنگ خودی در ظاهر و باطن شهر- توجه به نشانه‌ها و آثار اسلامی در تمامی برنامه‌های اجتماعی و فرم‌های ظاهری و کالبدی شهراسلامی.</p>	فرهنگ
<p>توجه به عرضه و تقاضا، تولید ثروت، توزیع ثروت، حرکت جمعی، افزایش توان تولید، توزیع و مصرف محصولات خودی با ارائه فضاهای کالبدی مناسب در شهراسلامی.</p>	اقتصاد

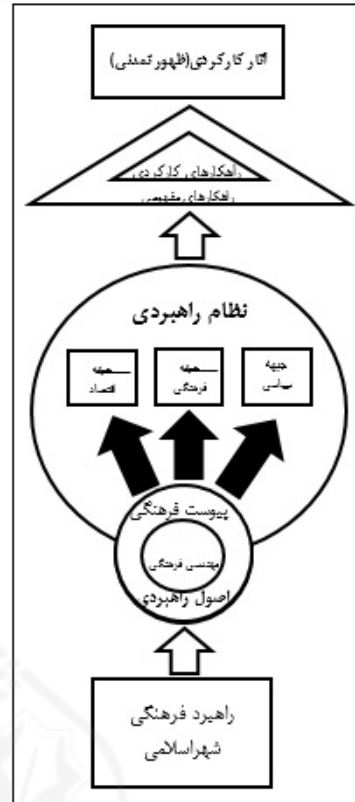
جدول ۴. راهکارهای مفهومی-تعریف نمونه جبهه‌های هویتی شهر اسلامی (مأخذ: نگارندگان).  
جدول ۵. نمونه‌ای از راهکارهای کارکردی شهر اسلامی، (مأخذ: نگارندگان).

شاخص‌ها	عوامل کارکردی
<p>- توجه به طراحی مسجد به عنوان قلب شهر و پایگاه فرهنگی، سیاسی، عبادی، و حکومتی- قرار گرفتن مسجد در بهترین نقطه شهر با تعریف جهت قبله و فاصله دسترسی آن به منازل- ساخت پایگاه بسیج، شورای حل اختلاف، شورای شهر، ساخت امور بی‌خانمان در کنار مسجد.</p> <p>- ساخت خانه و مسکن مناسب برای اهالی شهر- رعایت حریم، حرمت، عدم اشرافیت و رعایت ارتفاع مناسب، عدم تفاخر و تظاهر در ابنیه‌های مسکونی و توجه به شأن عبادی خانه.</p>	اوقات عبادت
<p>- ساخت مراکز تجاری و اقتصادی، طراحی مراکز کشاورزی و تولید محصولات کشاورزی، وجود بازارچه مکان فروش کالاهای درجه ۱ و ۲ مورد نیاز اهالی شهر- ساخت مراکز آموزشی مدرسه در مقاطع کودکستان، ابتدایی، و پایه دبیرستان با فعالیتی خارج از ساعات معین آموزشی و ارتباط فرهنگی و آموزشی آن با مسجد و تلفیق، ارتقاء و تقویت هر دو فضا- ساخت مرکز تخصصی کار و تحقیقات، انجام پژوهش‌های علمی، تحقیقاتی و کاربردی برای اهالی شهر به خصوص زنان خانه‌دار به همراه ایجاد مکان مناسب برای امور دانش‌بنیان، اختراعات، و اشتغال‌زایی جوانان و بستر بنگاه‌های کوچک اقتصادی در جهت تولید علم و ثروت.</p> <p>- طراحی مرکز درمانی و تندرستی در کنار یکدیگر با ۳ اصل آموزش و پیش‌گیری، مراقبت و درمان بیماری‌ها و افزایش عمر و سلامت اجتماعی اهالی.</p>	اوقات کار و فعالیت زندگی و تحرکات اجتماعی
<p>- ایجاد مکان‌های با نشاط از جمله مراکز ورزشی، تفریح گاه‌ها، (پارک‌ها) با توجه به ارزش‌های الهی در جهت انبساط روحی و روانی جامعه- طراحی مرکز تندرستی با فضاهای ورزشی بسته و روباز و آبی- طراحی مراکز تفریحی و سرگرمی با تکیه بر باغ شهر - طراحی فضاهای تفریحی شامل پارک‌های موضوعی (مشاهیر، کودکان، بانوان و...) پارک‌های کشاورزی جهت کاشت محصولات کشاورزی به صورت گروهی، پارک عرضه محصولات خانگی (تقویت اقتصادی بنیان خانواده)، پارک واحدهای همسایگی برای چند خانه در همسایگی یکدیگر و...</p>	اوقات تفریحی و تفرجی

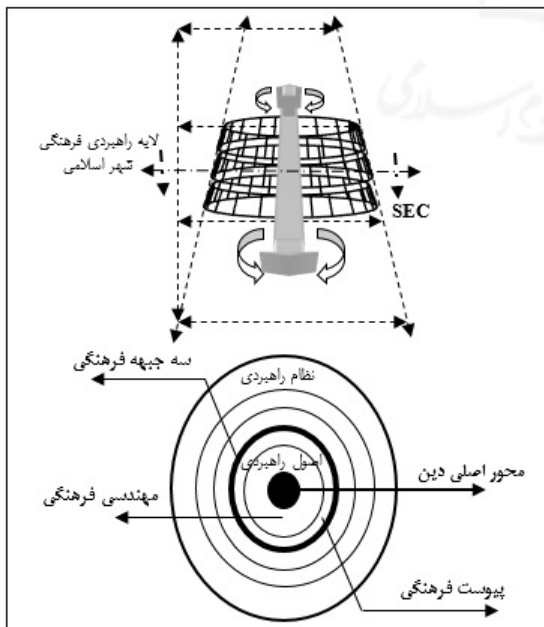




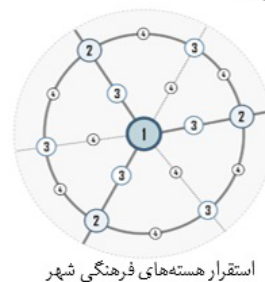
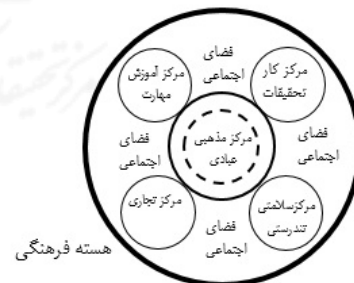
نمودار ۷. ساختار مدل فکری شکل‌گیری مبانی شهر اسلامی (مأخذ: دل‌زنده ۱۳۹۳).



نمودار ۹. ارائه راهکارهای مفهومی و کارکردی شهر اسلامی توسط فرآیند طراحی زیست - فرهنگی (مأخذ: نگارندگان)



نمودار ۸. مدل سازی راهبرد فرهنگی/روش اجرایی و مدلسازی مفهومی ارتباط دو قطب لایه راهبردی فرهنگی (مأخذ: نگارندگان)



نمودار ۱۰. الگوی پیشنهادی شهر اسلامی - ایرانی / شهر فرهنگی اسلامی (مأخذ: نگارندگان)

## منابع

۱. ابراهیم پور، محسن و سیدرضا مصطفوی. ۱۳۸۷. *ارزیابی آثار و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی طرح‌ها و پروژه‌ها*. تهران: دفتر مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری.
۲. اسلامی، سیدغلامرضا. ۱۳۹۲. *درس گفتار مبانی نظری معماری، عینکمان را خودمان بسازیم*. تهران: علم معمار رویال. فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، پژوهشکده هنر.
۳. اشتریان، کیومرث. ۱۳۹۱. *سیاستگذاری فرهنگی*. تهران: جامعه‌شناسان، با همکاری معاونت اجتماعی و فرهنگی اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی.
۴. اعتصام، ایرج. ۱۳۹۰. *اندیشه‌ی معماران معاصر ایران*. تهران: انتشارات انجمن مفاخر معماری ایران.
۵. اعوانی، غلامرضا. ۱۳۷۴. *یگانگی عمل و نظر معماری در سخن متفکران معاصر*. آبادی (۱۹): ۵.
۶. بنیانیان، حسن. ۱۳۸۹. *کلید رفع مظلومیت فرهنگ*. تهران: انتشارات دبیرخانه شورای انقلاب فرهنگی. JAMEJAMONLINE.IR (دسترسی ۱۳۹۴/۰۱/۷).
۷. بنیانیان، حسن. ۱۳۹۰. *پیوست فرهنگی: ضرورت‌های وجودی، راهکارها و فرآیندهای تدوین*. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۸. بنیانیان، حسن. ۱۳۹۰. *چرایی و چیستی پیوست فرهنگی*. تهران: دبیرخانه شورای انقلاب فرهنگی.
۹. بنیانیان، حسن. ۱۳۹۲. *پیوست فرهنگی، ابهام زدایی و گفت‌وگومان‌سازی*. تهران: انتشارات دبیرخانه شورای انقلاب فرهنگی.
۱۰. پورجعفر، محمدرضا، قدسیه سامانی، و علی پورجعفر. ۱۳۹۱. *فرهنگ مشترک معماری بازارهای ایران و ترکیه*. در *کنفرانس بین‌المللی جاده ابریشم، ژاپن*.
۱۱. پوردیهیمی، شهرام. ۱۳۹۱. *فرهنگ و مسکن*. فصلنامه مسکن و محیط روستا (۱۳۴): ۳-۱۸.
۱۲. پیشوائی، مهدی. ۱۳۵۷. *مفهوم جهان‌بینی و اقسام آن*. ماهنامه گوهر (۶۷): ۵۶۳-۵۶۰.
۱۳. توسلی، محمود. ۱۳۷۶. *اصول و روش‌های طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران*. ج ۱. تهران: مرکز مطالعات شهرسازی و معماری ایران.
۱۴. جعفری، محمدتقی. ۱۳۹۰. *فرهنگ پیرو فرهنگ پیش‌رو*. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
۱۵. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۹۱. *شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی*. قم: مرکز نشر اسراء.
۱۶. حبیبی، سیدحسین. ۱۳۷۷. *مکتب اصفهان در شهرسازی*. مجله دانشکده هنرهای زیبا (۳): ۴۸-۵۳.
۱۷. حبیبی، سیدحسین. ۱۳۸۲. *چگونگی الگوپذیری و تجدید سازمان استخوانبندی مجله هنرهای زیبا* (۱۳): ۳۲-۳۹.
۱۸. خامنه‌ای، سیدعلی (رهبر معظم). ۱۳۸۶. *دیدار با دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد* (۸۶/۰۲/۲۵). Farsi.khamenei.ir (دسترسی ۱۳۹۵/۰۱/۷).
۱۹. خامنه‌ای، سیدعلی (رهبر معظم). ۱۳۸۶. *دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی* (۸۶/۰۹/۱۷). Farsi.khamenei.ir (دسترسی ۱۳۹۴/۰۱/۷).
۲۰. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی. ۱۳۹۲. *نقشه مهندسی فرهنگی کشور*. تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۲۱. دل‌زنده، علی. ۱۳۹۳. *تبیین نگره‌های زندگی‌ساز حکمت اسلامی در معماری مسکونی ایرانی، نمونه موردی: مسکن قزوین*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد معماری- معماری، دانشکده تحصیلات تکمیلی آ.ب.آ.
۲۲. دهخدا، علی‌اکبر. ۱۳۷۳. *لغت‌نامه دهخدا*. تهران: دانشگاه تهران.
۲۳. ذوالفقارزاده، حسن. ۱۳۸۴. *فقه و معماری، شیوه تفقه دینی و دانش معماری*. رساله دکتری رشته معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی.
۲۴. ذوالفقارزاده، حسن. ۱۳۹۱. *زیبایی‌شناسی در جهان‌بینی دینی و فلسفی و علمی*. دو فصلنامه علمی و پژوهشی پژوهش‌های علم و دین (۲): ۴۵-۶۶.
۲۵. ذوالفقارزاده، حسن. ۱۳۹۲. *استراتژی هویت در هنر و معماری و شهرسازی اسلامی*. در *اولین همایش ملی شهرسازی و معماری در گذر زمان*. ۱-۱۶. قزوین: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).
۲۶. ذوالفقارزاده، حسن. ۱۳۹۳. الف. *تحلیلی بر شیوه‌های نگرش به معماری اسلامی*. فصلنامه علمی و پژوهشی پژوهش‌های معماری اسلامی (۳): ۲۹-۴۱.
۲۷. ذوالفقارزاده، حسن. ۱۳۹۳. ب. *جزوه حکمت و هنر اسلامی*. قزوین: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).

۲۸. رضایی، عبدالعلی. ۱۳۹۱. چرایی، چیستی و الگوی اجمالی پیوست‌نگاری فرهنگی، در استناداری بوشهر. در مجموعه مقالات همایش ملی پیوست‌نگاری فرهنگی. بوشهر.
۲۹. روح الامینی، محمود. ۱۳۶۸. *زمینه‌ی فرهنگ‌شناسی*. تهران: عطار.
۳۰. رهنمایی، محمدتقی. ۱۳۶۹. *مجموعه مباحث و روش‌های شهرسازی (جغرافیا)* تهران. وزارت مسکن و شهرسازی مرکز تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
۳۱. شریعتی، علی. ۱۳۸۹. *تاریخ تمدن*، جلد ۱ و ۲. تهران: شرکت انتشارات قلم.
۳۲. طاهری، ابوالقاسم. ۱۳۷۳. *اصول علم سیاست*. تهران: انتشارات دانشگاه پیام‌نور.
۳۳. قادری، صلاح‌الدین. ۱۳۹۲. شاخص‌ها و متغیرهای پیوست فرهنگی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: عملیاتی کردن این شاخص‌ها برای انجام پژوهش‌های میدانی. *دوفصلنامه مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی (۴): ۸۵-۱۰۸*.
۳۴. قرائتی، محسن. بی‌تا. توحید. قم: مؤسسه در راه حق.
۳۵. قربانی، رحیم. ۱۳۹۱. *شاخص‌های معماری و شهرسازی اسلامی*، مرکز بررسی‌های راهبردی ریاست جمهوری. تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۳۶. گروتز، یورگ. کورت. ۱۳۹۰. *زیبایی‌شناسی در معماری*. مترجم: جهان‌شاه پاکزاد و عبدالرضا همایون. تهران: دانشگاه شهید بهشتی، مرکز چاپ و انتشارات.
۳۷. لیتکوهی، ساناز و سپیده سنجر. ۱۳۹۳. مقایسه‌ی معیارهای کیفیت زندگی شهری در نظریات معاصر و مفاهیم استخراج شده در خصوص شهر اسلامی بر مبنای علل چهارگانه معماری. *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های معماری اسلامی (۲): ۶۴-۴۱*.
۳۸. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. ۱۳۹۱. *چارچوب تهیه‌ی پیوست فرهنگی*. سایت مجلس شورای اسلامی (دسترسی ۱۳۹۴/۰۱/۷).
۳۹. مصباح یزدی، محمدتقی. ۱۳۹۲. *آموزش عقائد*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل.
۴۰. مطهری، مرتضی. ۱۳۹۰. *مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی (۲): جهان‌بینی توحیدی*. تهران: صدرا.
۴۱. مک، اولیف، جین دمن. ۱۳۹۲. *دایره‌المعارف قرآن کریم*. ترجمه‌ی حسین خندق آبادی و دیگران. تهران: حکمت.
۴۲. نصر، سیدحسین. ۱۳۸۳. *آرمان‌ها و واقعیت‌های اسلام*. تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
۴۳. نصر، سیدحسین. ۱۳۸۶. *اسلام سنتی در دنیا متجدد*. ترجمه‌ی محمد صالحی. تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
۴۴. نقره‌کار، عبدالحمید. ۱۳۸۷. *درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی*. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، دفتر معماری و طراحی شهری، شرکت طرح و نشر پیام سیما.
۴۵. نقره‌کار، عبدالحمید، و علی محمد رنجبر کرمانی. ۱۳۹۲. روش پژوهش‌های میان رشته‌ای در پرتو بینش اسلامی. *مجموعه مقالات مشترک در حکمت هنر و معماری اسلامی*، ج ۲. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران، قطب علمی معماری اسلامی.
۴۶. نقره‌کار، عبدالحمید، و سلمان نقره‌کار. ۱۳۹۴. نسبت اسلام با فرآیندهای انسانی، در ذیل مشیت الهی. *مجموعه مقالات از حکمت اسلامی در فرآیندهای هنری و معماری*. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران، قطب معماری اسلامی.
۴۷. نقی‌زاده، محمد. ۱۳۸۶. *جستاری در چیستی اسلامیت هنر و معماری ایران*. *فصلنامه کتاب ماه هنر (۱۰۳ و ۱۰۴): ۱۲-۴*.
۴۸. نقی‌زاده، محمد. ۱۳۸۹. *تاملی در چیستی شهر اسلامی*. *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی- اسلامی (۱): ۱*.
۴۹. نقی‌زاده، محمد. ۱۳۹۲. *هویت شهر: مبانی، مؤلفه‌ها و جلوه‌ها*. تهران: جهاد دانشگاهی.
۵۰. نقی‌زاده، محمد. ۱۳۹۴. *طراحی شهری (قلمروهای شهرسازی، شهرداری و شهرنشینی)*. مشهد: انتشارات دانشگاه امام رضا (ع).
۵۱. نوحی، حمید. ۱۳۸۸. *تأملات در هنر و معماری*. تهران: انتشارات گنج هنر.
۵۲. واسطی، عبدالحمید. ۱۳۸۳. *نگرش سیستمی به دین*. *فصلنامه کتاب فقه (۳۳): ۱۳۸-۱۰۵*.
۵۳. هشام، مرتضی. ۱۳۸۶. *اصول سنتی ساخت و ساز در اسلام*. ترجمه‌ی ابوالفضل مشکینی و کیومرث حبیبی. تهران: مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی.

## Reference

- Ashtorian, Kiumars. 2012. *Cultural Policies*. Tehran: Jameshenasan, with the Cooperation of Social and Cultural Center of the General Office for Social & Cultural Studies.
- Avani, Gholamreza. 1995. Unity of Act and Thought of Architecture in Contemporary Theorists' Ideas. *Abadi* (19): 5.
- Bonyanian, Hassan. 2010. *Removing Culture Problems*. Tehran: The Publication of Cultural Revolution Council. JAMEJAMONLINE.IR. (availability 2015/01/7).



4. Bonyanian, Hassan. 2011. *Cultural Connection: Necessities Approaches and Creating Process*. Tehran: Publication of Supreme Council of the Cultural Revolution.
5. Bonyanian, Hassan. 2011. *The Reason and the Quality of Cultural Connection*. Tehran: Cultural Revolution Council.
6. Bonyanian, Hassan. 2012. *Cultural Connection, Disambiguation and Arguing*. Tehran: Publication of Supreme Council of the Cultural Revolution.
7. Dehkhoda, Ali Akbar. 1994. *Dehkhoda Dictionary*. Tehran: Tehran University.
8. Delzende, Ali. 2014. *Explanation of Life Creating Notions in Islamic Thought in Residential Architecture of Iran; Case Study: Qazvin Housing*. M.A. Thesis in Architecture. A.B.A University.
9. Ebrahimpour, Mohsen, and Seyed Reza Mostafavi. 2008. *Evaluation of Social and Cultural Effects and Consequences in Plans and Projects*. Tehran: the Center for Municipality Cultural & Social Studies.
10. Eslami, Seyed Gholamreza. 2013. *The Course Lectures in Theoretical Foundations of Architectural, Making our Glasses by Ourselves*. Tehran: Elm-e Memar Royal. Islamic Republic of Iran Cultural Department, Iranian Academy of the Arts.
11. Etesam, Iraj. 2011. *The Thoughts of Contemporary Architects*. Tehran: The Publication of Iran Architecture Elite.
12. Gharaati, Mohsen. No Date. *Tohid*. Qom: Dar Rah-e-Hagh Institute.
13. Habibi, Seyed Hossein. 1998. Isfahan Style in Urbanism. *Journal of Fine Arts Faculty* (3): 48-53.
14. Habibi, Seyed Hossein. 2003. How to Create Sample and Refresh Neighborhood Framing Structure. *Honar\_haye\_Ziba* (13): 32-39.
15. Hasham, Morteza. 2008. *Traditional Principles of Construction in Islam*. Translated by Abolfazl Meshkini, Kiumars Habibi. Tehran: The Research Center of Roads, Housing and Urban Planning.
16. Jaffari, Muhammadtaghi. 2011. *The Following Culture of Progressive Culture*. Tehran: Institute of Collecting and Publishing Allameh Jaffari books.
17. Javadi Amoli, Abdollah. 2012. *Mind Appearance and Booming in the Light of Hosseini Revolution*. Qom: Esra.
18. Khamenei, Seyed Ali (the Supreme Leader). 2007. *Visitting the Students of Ferdosi University of Mashhad* (2007/05/15). FARSI.KHAMENEI.IR. (availability 2016/03/26).
19. Khamenei, Seyed Ali (the Supreme Leader). 2007. *Visiting the Members of Supreme Council of the Cultural Revolution* (2007/12/08). FARSI.KHAMENEI.IR. (availability 2016/03/26).
20. Litkouhi, Sanaz, and Sepideh Sanjari. 2014. Comparing Urban Life Quality Criteria in Contemporary Researches and Islamic City Features Based on Four Architecture Causes. *Researches in Islamic Architecture* 1 (2): 41-64.
21. Mack, Olif, and Jean Demn. 2013. *Qoran Encyclopedia*. Translated by Hossein Khandagh Abadi et al. Tehran: Hekmat.
22. Mesbah Yazdi, Muhammadtaghi. 2013. *Teaching the Belief*. Tehran: Islamic Development Organization. Beinolmellal Publication Company.
23. Motahari, Morteza. 2011. *An Introduction in Islamic Worldview (2): Worldview based on Tohid*. Tehran: Sadra.
24. Nasr, Seyed Hossein. 2007. *Traditional Islam in the Modern World*. Translated by Mohammad Salehi. Tehran: Sohravardi Publication and Research Center.
25. Nasr, Seyed Hossein. 2010. *Dreams and Realities of Islam*. Tehran: Sohravardi Publication and Research Center.
26. Naghizadeh, Muhammad. 2007. An Investigation in Quality of Islamic Art and Iranian Architecture. *Mah-e-Honar* (103 and 104): 4-12.
27. Naghizadeh, Muhammad. 2010. A Thought on the Content of Islamic City. *Research Letter of Visual Arts* 1(1).
28. Naghizadeh, Muhammad. 2013. *City Identification: Principles, Perspectives and Criteria*. Tehran: ACECR.
29. Naghizadeh, Muhammad. 2015. *City Planning (the Territories of City Planning, City Municipality and City Life)*. Mashhad: Imam Reza(PBUH) University Press.
30. Noghrekar, Abdolhamid. 2008. *Introduction to Islamic Identity in Architecture and Urbanism*. Tehran: Ministry of Housing and Urban Development, Architecture and Urban Design Office, Payam-e Sima Planning and Printing Corporation
31. Noghrekar, Abdolhamid, and Alimohammad Ranjbar Kermani. 2013. Interdisciplinary Research Method In Islamic Insight. *Collection of Articles in Islamic Art and Architecture*, Vol.2. Tehran: Center of Excellence in Islamic Architecture, Iran University of Science and Technology.
32. Noghrekar, Abdolhamid, and Salman Noghrekar. 2015. *The Relationship of Islam with Human Actions under God's Desire. Collection of Articles in Islamic Wisdom in Architecture and Art Actions*. Tehran: Center of Excellence in Islamic Architecture, Iran University of Science and Technology.
33. Noohi, Hamid. 2009. *Thinking in Art and Architecture*. Tehran: Gang-e-Honar.
34. Pishvae, Mahdi. 1987. The Concept of Worldview and its types. *Gohar* (67):560-563.
35. Pourdehimi, Shahram. 2012. Culture and House. *Journal of Housing and Rural Environment* (134): 3-18.
36. Purjafar, Mohammadreza, Ghodsieh Samani, and Ali Porjafar. 2012. The Shared Culture of the Architecture of Iranian/ Turkish Markets. *In Silk Road International Conference, Japan*.
37. Qaderi, Salahedin. 2013. Criteria and Variables of Cultural Connection in Iranian-Islamic Development Pattern,



- Operationalization of these Criteria for Field Research. *Islamic Iranian Progress Model* (4):85-108.
38. Qorbani, Rahim. 2012. *Islamic City Planning and Architecture Factors*. The Center for Strategic Studies of the Presidential Office. Tehran: Shahid Beheshti University Press.
39. Qroter, Yourk Court. 2011. *Aesthetics in Architecture*. Translated by Jahanshah Pakzad and Abdolreza Homayon. Tehran: Shahid Beheshti University Press.
40. Rahnamaee, Muhammadtaghi. 1990. *Series of Discussion and Methods in Tehran Urbanism*. The Ministry of Housing and City Planning.
41. Research Center in Islamic Republic of Iran Parliament. 2012. *Framework of Cultural Connection*. Islamic Republic of Iran Parliament website (accessed 2015/03/27).
42. Rezaee, Abdollali. 2012. Reasons and Quality and Overall Pattern of Cultural Connecting in Boushehr Governmental Center. In *Collection of Articles in National Conference for Cultural Connecting*. Boushehr.
43. Ruholamini, Mahmud. 1989. *Culturalism Background*. Tehran: Attar.
44. Secretariat of Supreme Council of the Cultural Revolution, Country Cultural Engineering Plan. 2013. Tehran: Supreme Council of the Cultural Revolution.
45. Shariati, Ali. 2010. *History of Civilization, Vol.1 & 2*. Tehran: Ghalam Press Company.
46. Taheri, Abolghasem. 1994. *Principles of Politics*. Tehran: Payam Nour University Uress.
47. Tavassoli, Mahmoud. 1997. *Principles and Methods of Urban Designing and Living Places in Iran, Vol.1*. Tehran: The Urban Planning and Architecture Research Cente.
48. Vaseti, Abdolhamid. 2004. Systematic View to Religion. *Ketab-e-Feqh* (33): 105-138.
49. Zolfagharzade, Hasan. 2006. *Islamic Laws and Architecture*. Recognition of Religious Practices and Architectural Knowledge. Ph.D. Thesis in Architecture, Architecture and Urbanism College, Shahid Beheshti University.
50. Zolfagharzade, Hasan. 2012. Aesthetics in Religious-Philosophical-Scientific Worldview. *Pazhuhesha\_ ye Elm va Din* 3(2): 45-66.
51. Zolfagharzade, Hasan. 2013. Identification Strategy in Art and Architecture and Islamic City Planning. In *First National Conference of City Planning and Architecture During the Time, 1-16*. Qazvin: International Imam Khomeini University.
52. Zolfagharzade, Hasan. 2014. A. An Analysis of Attitudes Towards Islamic Architecture. *Researches in Islamic Architecture* 1(3): 29-41.
53. Zolfagharzade, Hasan. 2014. b. *Booklet in Wisdom and Islamic Art*. Qazvin: International Imam Khomeini University.

